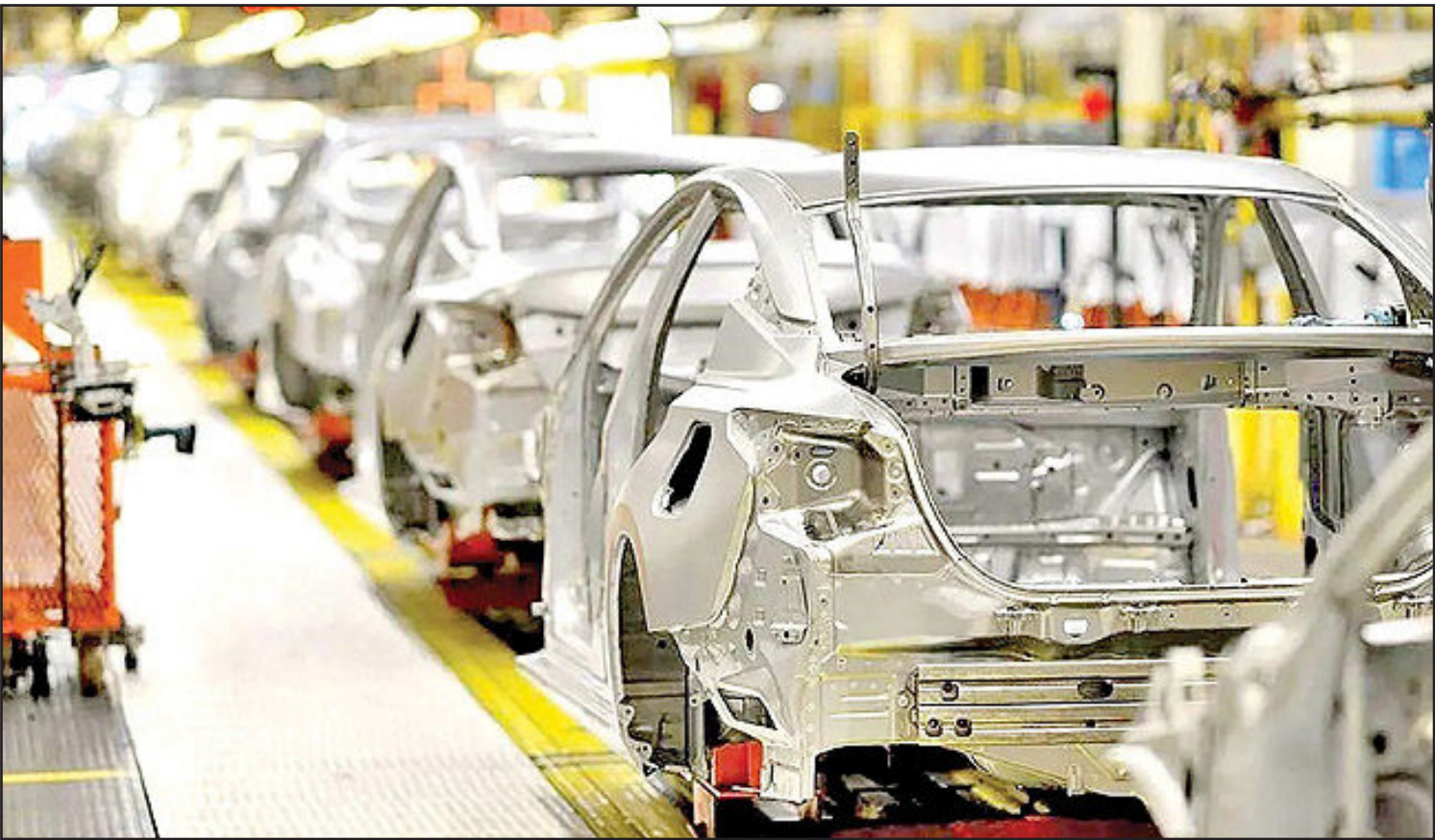




روایت مجلس از تحولات ۸ ساله خودرو



نقشه گنج ۱۰

تربیلیون دلاری

اگر افسانه‌ها واقعی بودند، چه می‌شد؟ اگر جهان به شکلی بود که افسانه رنگ واقعیت می‌گرفت....

صفحه ۶

برق گرفتگی

بوم گردی‌ها

درحالی‌که صنعت گردشگری ایران با چالش‌های اقتصادی، حذف شدن سفر از سبد بسیاری از خانوارها، افول....

صفحه ۴

سپر حمایتی

خودروهای مونتاژی

آیین‌نامه جدید واردات خودرو که پس از ایرادات دیوان عدالت اداری به آیین‌نامه قبلی ۲۹ مردادماه مصوب شد....

صفحه ۲

روایت مجلس از تحولات ۸ ساله خودرو

کریم حسن پور - بازوی پژوهشی مجلس با تحلیل وضعیت آماری و روند تغییرات شاخص‌های اصلی صنعت خودرو در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳، تحولات این صنعت را به تصویر کشیده است.

شاخص تمرکز بازار (میزان انحصار) در سال ۱۳۹۵ حدود سه هزار و ۸۵۰ بوده است. در حالی‌که از سال ۱۳۹۷ این شاخص به بیش از چهار هزار و ۵۰۰ افزایش یافت که نشان از افزایش شرایط انحصاری بازار دارد. از سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با آزادسازی واردات و افزایش تولید خودروسازان خصوصی این شاخص کاهش یافته و به کمتر از سه هزار و ۴۰۰ رسیده است.

روند زیان‌دهی دو خودروساز بزرگ نیز در ادامه این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است. این روند که از اوایل دهه ۹۰ آغاز شد، با ادامه سیاست‌های قیمت‌گذاری و تحریم‌های بین‌المللی افزایش یافته است. با وجود اصلاحات قیمت‌گذاری در سال‌های اخیر، ایران خودرو و سایپا همچنان زیان‌ده هستند، در حالی‌که خودروسازان خصوصی در دوره مورد بررسی عموماً سودآور بوده‌اند. از عوامل اصلی این مورد نیز می‌توان به تحریم‌های بین‌المللی، سیاست‌های قیمت‌گذاری، کسری نقدینگی، نوسانات ارزی، مشکلات تامین قطعات و بی‌ثباتی مدیریتی اشاره کرد.

بررسی حاکمیت شرکتی و سهامداری گویای این نکته است که سهم نهادهای دولتی و وابسته به دولت در ایران خودرو بیش از ۲۵ درصد و در سایپا حدود ۷۰ درصد است. سهام مستقیم دولت در ایران خودرو ۵،۷۲ درصد و در سایپا ۱۶،۸۲ درصد اعلام شده است. شرکت کرمان موتور هم در سال ۱۴۰۳ به‌عنوان بخش خصوصی مرتبط با صنعت خودرو حدود چهار درصد از سهام سایپا را در اختیار گرفته است. همچنین مطابق با داده‌های شاخص مدیران خرید (شامخ)، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ صنعت به صورت میانگین در حال رشد بوده و از نظر فعالان این حوزه، فرآیند رو به‌بهبودی را طی کرده است.

نتایج بخش اعطای مجوزها، اشتغال و سرمایه‌گذاری نشان از این دارد که از سال ۱۴۰۰ روند افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت خودرو آغاز شده و به دنبال آن رشد قابل توجه اشتغال نیز در همین دوره مشاهده شده است.

مصرف سوخت و اسقاط خودروهای فرسوده از دیگر شاخص‌هایی است که زیر ذره‌بین بازوی پژوهشی مجلس قرار گرفته است. هم‌اکنون بیش از ۱۲ میلیون خودروی فرسوده در ناوگان فعال وجود دارد و شمار خودروهای سواری فعال کشور بیش از ۲۵ میلیون دستگاه برآورد می‌شود. طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ کمتر از ۱۰۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط شد، در حالی‌که هدف برنامه هفتم توسعه اسقاط سالانه ۵۰۰ هزار دستگاه تعیین شده است. در سال ۱۴۰۳ و با اجرای آیین‌نامه جدید، حدود ۳۵۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط شد. در همین دوره، مصرف بنزین از میزان تولید آن پیشی گرفته و در سال ۱۴۰۳ به صورت میانگین بیش از ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین در روز مصرف شده است.

واردات و صادرات نهمین شاخصی است که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است. در دوره مورد بررسی میانگین قیمت خودروهای وارداتی بیش از ۲۰ هزار دلار بوده و بیشترین میزان واردات سالانه کمتر از ۸۰ هزار دستگاه گزارش شده است. در همین دوره، واردات قطعات خودرو روند افزایشی داشته است. در زمینه صادرات، حجم خودرو بسیار محدود بوده و از چند هزار دستگاه در سال فراتر نمی‌رود و صادرات بدنه خودرو نسبت به سال ۱۳۹۷ به کمتر از یک‌سوم کاهش یافته است.

گزارش فوق همچنین تفاوت قابل توجهی در سطح داخلی‌سازی میان دو خودروساز بزرگ و شرکت‌های خصوصی می‌بیند؛ خودروهای تولید داخل به‌طور میانگین حدود ۷۰ درصد داخلی‌سازی دارند، درحالی‌که شرکت‌های خصوصی تنها حدود ۲۰ درصد داخلی‌سازی را محقق کرده‌اند. از منظر ارزی نیز، میانگین خودروهای داخلی حدود سه هزار دلار است، در حالی‌که خودروهای شرکت‌های خصوصی به‌طور میانگین حدود ۱۳ هزار دلار ارزی دارند. شرکت‌های خصوصی تمایل اندکی به داخلی‌سازی دارند و فعالیت آنها عمدتاً بر واردات قطعات آماده و مونتاژ نهایی متمرکز است.

بر اساس این گزارش، تحلیل شاخص‌های آماری صنعت خودرو نشان‌دهنده تأثیرپذیری منفی این صنعت از تحریم‌ها، سیاست‌های ارزی و تجاری در دوره مورد بررسی است. درحالی‌که بهبودهایی در سال‌های اخیر مشاهده شده است، وابستگی به واردات قطعات و دخالت‌های دولت در این صنعت همچنان از چالش‌های اصلی به‌شمار می‌آیند.

افزایش داشته است. نکته مهم آن است که حاکمیت دولت در این دو شرکت لزوماً به معنای مدیریت مستقیم آنها نیست؛ چنانکه در حال حاضر مدیریت ایران خودرو در اختیار بخش خصوصی است، هرچند ساختار مالکیتی همچنان نشان از نفوذ بالای دولت دارد. در مجموع، بررسی شاخص‌های آماری و کیفی صنعت خودرو توسط بازوی پژوهشی مجلس حاکی از آن است که با وجود تأثیرپذیری صنعت خودرو از عواملی چون تحریم، تکانه‌های ارزی و محدودیت‌های تجاری، در سال‌های اخیر بهبودهایی در برخی شاخص‌ها به‌ویژه در بخش تولید مشاهده شده، اما وابستگی به واردات قطعات، کسری نقدینگی و عدم تناسب سرمایه در گردش با نرخ تورم و مشکلات ساختاری همچنان از چالش‌های اصلی به شمار می‌آیند.

نتایج این گزارش نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۷ صنعت خودرو عملاً وارد فاز رکود شده و باوجود رشد نسبی تولید پس از سال ۱۴۰۰، کیفی در یک دوره هشت ساله از سال ۹۵ تا ۱۴۰۳ مورد بررسی قرار داده است. تحلیل داده‌ها شامل میزان تولید، وضعیت بازار، شاخص شامخ صنعت، تعداد مجوزهای اعطایی، نسبت اشتغال و سرمایه، میزان سوانح رانندگی، مصرف سوخت، تعداد خودروهای فرسوده اسقاط شده، سود و زیان، واردات و صادرات و وضعیت سهامداری دو خودروساز بزرگ کشور بیانگر آن است که صنعت خودرو در این دوره با چالش‌های متعددی مواجه بوده و روند تغییرات آن به‌طور مستقیم متأثر از تحولات اقتصادی و سیاسی بوده است.

نتایج کلیدی در بخش تولید نشان می‌دهد که ظرفیت بالقوه تولید خودرو در کشور حدود ۲ میلیون دستگاه در سال برآورد می‌شود، درحالی‌که هدفگذاری تا پایان برنامه هفتم دستیابی به تولید سه‌میلیون دستگاه در سال است. در دوره زمانی مورد بررسی بیشترین میزان تولید سالانه خودرو سواری در سال ۱۳۹۶ (۱،۴۲۹ میلیون) دستگاه ثبت شد و کمترین تولید در سال ۱۳۹۸ با ۷۵۸ هزار دستگاه رقم خورد. سهم خودروهای سواری در کل تولیدات حدود ۹۰ درصد است. تولیدکنندگان خصوصی طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ رشدی سه برابری داشته‌اند و سهم بازار آنها از هشت درصد به ۲۴ درصد افزایش یافته است.

در ادامه این گزارش با بررسی شاخص «بازار و پراکندگی قیمتی» عنوان می‌شود که بخش عمده بازار خودرو ایران به خودروهای با قیمت کمتر از ۱۰ هزار دلار اختصاص دارد و تمایل اصلی بازار در این دوره به خودروهای «سدان هاچ‌بک» کلاس A و C بوده است. از سال ۱۳۹۷ روند افزایش معنادار قیمت‌ها آغاز شد و از ۱۴۰۰ به دلیل نوسانات ارزی و تورم عمومی، جهش قیمتی قابل توجهی در قیمت‌ها رخ داد.

بررسی شاخص‌های آماری و کیفی صنعت خودرو در هشت سال اخیر حکایت از آن دارد که این صنعت به طور جدی تحت تأثیر منفی تحولات اقتصادی و سیاسی از قبیل تحریم‌ها، نوسانات ارزی و سیاست‌های مرتبط با آن و محدودیت‌های تجاری قرار گرفته است.

نتایج بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس حاکی از آن است که صنعت خودرو از سال ۱۳۹۷ همزمان با خروج آمریکا از توافق برجام و آغاز دور دوم تحریم‌ها، با مشکلات متعددی نظیر کاهش تولید، افزایش زیان و کاهش صادرات روبه‌رو بوده و این روند تا سال ۱۴۰۰ ادامه داشته است. اما از سال ۱۴۰۰ با وجود افزایش مستمر روند زیان‌دهی در دو خودروساز اصلی، شاخص‌های کمی صنعت خودرو بهبود یافته و روند رشد آن به‌طور نسبی احیا شد و تا سال ۱۴۰۳ رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرد.

در این میان، تولیدکنندگان بخش خصوصی نیز سهم خود را به بازار افزایش داده و در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۳۹۶ به رشدی حدود سه برابری دست یافتند. نکته قابل تأمل این است که تولید خودروهای مونتاژی و افزایش تیراژ دو خودروساز بزرگ کشور، سبب افزایش ارزی این صنعت نیز شده است.

بخش‌های دیگر این گزارش نشان می‌دهد که از نظر تولید، بیشترین سهم تولید خودرو در کشور به خودروهای سواری اختصاص دارد که حدود ۹۰ درصد از کل تولیدات را تشکیل می‌دهد. پس از آن، خودروهای تجاری سبک و سنگین در جایگاه بعدی قرار گرفته و خودروهای مسافری سهمی کمتر از پنج درصد از کل تولیدات را دارند.

در حوزه تجارت خارجی، واردات خودروهای کامل از سال ۱۳۹۷ به دلیل اعمال ممنوعیت‌های قانونی متوقف شد، اما این محدودیت در سال ۱۴۰۱ به پایان رسید و امکان واردات به طور مجدد فراهم شد. در سال‌های اخیر، واردات قطعات خودرو روندی افزایشی داشته که بیانگر وابستگی روزافزون تولید خودروهای مونتاژی به قطعات وارداتی است. در بخش صادرات، بیشترین ارقام صادر شده از قطعات پدکی تشکیل می‌دهد، در حالی‌که صادرات خودروهای کامل و بدنه، به‌واسطه تحریم‌ها و کاهش فعالیت بخش‌های تولیدی خارج از کشور، با افت محسوسی مواجه شده است.

ملکگرد مالی خودروسازان بزرگ کشور در هشت سال گذشته با ثبت زیان‌های سنگین و مستمر همراه بوده است. دو خودروساز بزرگ کشور، به‌عنوان اصلی‌ترین تولیدکنندگان خودرو، در اغلب سال‌های این دوره زیان‌ده بوده‌اند. عوامل متعددی در ایجاد این وضعیت نقش داشته‌اند؛ از جمله تحریم‌های بین‌المللی که باعث افت تیراژ تولید شد، نوسانات شدید ارزی و دشواری در تامین ارز برای واردات قطعات و مواد اولیه، افزایش بهای نهاده‌های تولید، مشکلات زنجیره تامین قطعات و در نهایت ادامه سیاست‌های قیمت‌گذاری که مانع افزایش متناسب قیمت فروش با هزینه‌های تولید شده است.

بررسی ساختار سهامداری دو خودروساز بزرگ کشور نیز نشان می‌دهد که نفوذ و حاکمیت دولت همچنان در هر دو مجموعه به‌طور قابل ملاحظه‌ای برقرار است. طی سال‌های اخیر سهم بخش خصوصی در میان سهامداران عمده هر دو شرکت روندی رو به

در بخش صنعت نیز پیآمدهای این اختلال قیمتی قابل توجه است. طی دهه‌های اخیر، سهم بالایی از سرمایه‌گذاری‌ها به سمت صنایع انرژی‌بر مانند فولاد، سیمان و پتروشیمی هدایت شده است. در بسیاری از موارد، ادامه فعالیت این صنایع نه به‌دلیل مزیت رقابتی یا بهره‌وری بالا، بلکه صرفاً به‌دلیل دسترسی به انرژی ارزان توجیه‌پذیر بوده است. این در حالی است که هزینه‌های زیست‌محیطی، استهلاک منابع طبیعی و مصرف بالای انرژی و آب در این واحدها، هرگز در قیمت تمام‌شده بازتاب نیافته‌اند.

از سوی دیگر، بنگاه‌های تولیدی در چنین ساختاری با یک مشکل مزمن مواجهند: کمبود نقدینگی در نگاه نخست، ممکن است این پدیده را رشد بالای نقدینگی در کشور متناقض به‌نظر برسد. اما در واقع، زمانی که تولید به‌دلیل سرکوب قیمتی یا افزایش هزینه‌ها، بدون بازبینی در قیمت فروش، فاقد حاشیه سود کافی باشد، طبیعی است که بنگاه برای ادامه فعالیت، وابسته به منابع بانکی و تسهیلات شود. این وابستگی، چرخه‌ای معیوب ایجاد می‌کند: تولید بدون سود، نیازمند تسهیلات بیشتر و تسهیلات بیشتر، بدون افزایش ارزش افزوده واقعی، منشا تورم بالاتر خواهد بود. در واقع این مسأله که در ادبیات اقتصادی ایران از آن با عنوان معمای نقدینگی مطرح می‌شود، ریشه در عدم رعایت قیمت‌های نسبی دارد. در اقتصاد هر کالایی قیمتی دارد و قیمت بهینه از تعادل عرضه و تقاضا به دست می‌آید، قیمت پول در اقتصاد معادل با نرخ بهره است و وقتی این نرخ به‌صورت دستوری و نه از طریق مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، باعث تخصیص غیربهینه منابع بانکی خواهد شد.

همان‌طور که در نظریه‌های کلاسیک اقتصاد آمده، قیمت‌ها نقش حیاتی در تخصیص بهینه منابع دارند. به تعبیر پل سامولسون، «قیمت‌ها زبان بازار هستند؛ اگر این زبان تحریف شود، بازار دچار لکنت تصمیم‌گیری خواهد شد.» در ایران، این زبان سال‌هاست دچار اختلال شده و نتیجه آن، اتلاف انرژی، فرسایش منابع، ناکارآمدی بنگاه‌ها و وابستگی فزاینده به حمایت‌های مالی دولت و بانک مرکزی بوده است. افزون بر این، تحریف قیمت‌های نسبی انگیزه برای ارتقای فناوری، نوسازی فرایند تولید یا استفاده از روش‌های کم‌مصرف را نیز از بین می‌برد. چرا باید یک صنعتگر یا کشاورز به دنبال فناوری‌های نوین باشد، وقتی استفاده از منابع سنتی، ارزان‌تر و در دسترس‌تر است؟ در غیاب اصلاح ساختار قیمتی، اساساً سرمایه‌گذاری در بهره‌وری، بازدهی اقتصادی ندارد.

از این منظر، بخشی از مشکلات ساختاری اقتصاد ایران نه ناشی از کمبود منابع یا نبود حمایت، بلکه نتیجه جانیی سیاست‌هایی است که با نیت حمایت از مردم یا تولید، اما با نادیده‌گرفتن اصول پایه علم اقتصاد به اجرا درآمده‌اند. یارانه‌های پنهان انرژی، اگرچه در ظاهر بار مالی مستقیمی ندارند، اما از طریق تخصیص نابehنه منابع، ایجاد وابستگی در تولید و افزایش فشار بر محیط‌زیست و شبکه بانکی، هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد تحمیل کرده‌اند.

حاصل این وضعیت، نه در آزادسازی ناگهانی قیمت‌ها و رهاسازی بازار، بلکه در اجرای یک برنامه اصلاح قیمتی تدریجی، هدفمند و همراه با حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است. تجربه کشورهای متعدد نشان می‌دهد که اصلاح ساختار قیمت حامل‌های انرژی، اگر با طراحی مناسب، شفافیت و ابزارهای مکرملی مانند یارانه نقدی، کارت انرژی یا تعرفه‌های پلکانی هوشمند همراه باشد، می‌تواند بدون آسیب به گروه‌های کم‌درآمد، بهره‌وری را افزایش دهد و زمینه اصلاح ساختار تولید را فراهم سازد.

♥ پیامدهای اقتصادی قطع صادرات برای چین
چه اتفاقی خواهد افتاد اگر جریان نفت ایران – یک منبع حیاتی اما تحریمی برای چین – ناگهان متوقف شود؟ فشار آمریکا و احتمال بازگشت تحریم‌های سازمان ملل (مکانیسم ماشه) می‌تواند صادرات نفت خام ایران را مسدود کرده و ضمن آزمون امنیت انرژی پکن و افزایش هزینه‌های صنعتی در، ضربهای مالی به ایران وارد کند. ناوگان سایه و نفت تخفیف‌خورده صادرات نفت ایران با وجود تحریم‌های آمریکا، در سال‌های اخیر مسیری پرنوسان اما رو به رشد را طی کرده است. پس از سقوط به پایین‌ترین سطح ۴۰ ساله (حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز) در سال ۲۰۲۰، صادرات به حدود ۱.۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۳ رسید و در اوایل سال ۲۰۲۴ ۲ میلیون یعنی حدود ۱.۵ میلیون بشکه در روز نزدیک شد. با این حال، این روند در ماه‌های اخیر سال ۲۰۲۵ و پس از بحران‌های منطقه‌ای، مجدداً دچار کاهش شده است. با وجود این کاهش حجم، وابستگی ساختاری ایران به چین تغییری نکرده و همچنان حدود ۹۰ درصد از کل نفت صادراتی ایران توسط چین خریداری می‌شود. ایران برای تضمین فروش، نفت خود را با سیاست‌های قیمتی عرضه می‌کند. به گزارش روتترز در اواخر سال ۲۰۲۳، نفت خام ایران حدود ۱۳ دلار زیر قیمت شاخص برنت فروخته می‌شد که بر اساس داده‌های حجم صادرات و میزان تخفیف و برآورد تحلیلگران باعث صرفه‌جویی ۱۰ میلیارد دلاری برای پالایشگاه‌های چینی در آن سال شد. این تجارت توسط یک «ناوگان تریک» از نفتکش‌ها تسهیل می‌شود که معمولاً را با تغییر نام به مقصد می‌رساند. وابستگی چین به نفت تحریمی به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، چین در سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۱ میلیون بشکه منبع بزرگ نفت خام چین است و ۱۵ درصد کل واردات آن را تأمین می‌کند؛ جایگاهی پس از روسیه و عربستان سعودی. بیشتر این نفت به پالایشگاه‌های مستقل «تی‌بات» در استان شاندونگ می‌رسد که با خوراک ارزان‌قیمت رونق گرفته و یک چهارم ظرفیت پالایشی چین را در اختیار دارند. سناریوی مکانیسم ماشه و شوک اقتصادی توقف ناگهانی این تجارت – چه از طریق اجرای سخت‌گیرانه‌تر تحریم‌های آمریکا یا بازگشت تحریم‌های سازمان ملل (مکانیسم ماشه) – یک شوک عرضه فوری ایجاد خواهد کرد. به گزارش وال‌استریت ژورنال حذف جریان فعلی نفت ایران که در سال ۲۰۲۵ به حدود ۱.۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافته، حرفه‌ای بزرگ در سبد وارداتی چین ایجاد می‌کند.پیامدهای اقتصاد کلان سریع و دردناک خواهد بود. مستقیم‌ترین تأثیر، از دست دادن تخفیف‌های سنگین است. بر اساس گزارش‌های روتنر در سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ تحلیلگران پیش‌بینی می‌کردند برای سال ۲۰۲۵ میانگین تخفیف بین ۱۰ تا ۱۴ دلار در هر بشکه باشد، از دست دادن ۱.۳ میلیون بشکه در روز به معنای افزایش مستقیم ۱۳ تا ۱۸ میلیون دلاری در سال واردات چین در روز است. سالانه، این رقم به ضربه خیره‌کننده ۴.۷ تا ۶.۶ میلیارد دلاری به صورت‌حساب انرژی این کشور تبدیل می‌شود. این یک خطای محاسباتی نیست؛ بلکه یک مالیات مستقیم بر اقتصاد چین است.این ضربه مالی یک شوک تورمی قدرتمند ایجاد خواهد کرد. هزینه‌های بالاتر انرژی و خوراک، به کل اقتصاد سرایت کرده و حاشیه سود تولیدکنندگان پتروشیمی، پلاستیک و صنایع سنگین را کاهش می‌دهد. این در حالی است که پکن در حال حاضر با فشارهای داخلی و تورمی و کاهش رشد کند پس از همه‌گیری دست و پنجه نرم می‌کند. افزایش هزینه‌های انرژی می‌تواند ۰.۳ تا ۰.۵ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی سالانه چین را در سال کاهش دهد. برای پالایشگاه‌های «تی‌بات» که بر پایه این نفت تخفیف‌دار ساخته شده‌اند، این شوک می‌تواند حیاتی باشد و به تعطیلی و اختلال در عرضه سوخت منطقه‌ای منجر شود. چین ابزارهایی برای کاهش ضربه در اختیار دارد: استفاده از سایر صادرکنندگان؛ افزایش واردات از تولیدکنندگان اوپک پلاس با ظرفیت‌های مازاد مانند عربستان سعودی و عراق؛ یا هدایت عرضه بیشتر از روسیه. استفاده از ذخایر استراتژیک: ذخایر بیش از ۹۰۰ میلیون بشکه‌ای پکن، پوشش چندین ماهه واردات را فراهم می‌کند. تنوع‌بخشی به انرژی: تسریع گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر، گاز طبیعی و خودروهای برقی برای کاهش وابستگی به نفت. پیامدها برای ایران برای ایران، از دست دادن چین مخرب خواهد بود. چین تقریباً تمام صادرات نفت ایران را به خود اختصاص داده که در سال ۲۰۲۳ حدود ۳ میلیارد دلار ارزش داشت. بدون این بازار، ایران با بحران مالی، فشار ارزی و وابستگی عمیق‌تر به شبکه‌های غیررسمی مواجه خواهد شد. دولت ممکن است مجبور به ارائه سیاست‌های قیمتی جدید با معاملات تهاثری ناامیدکننده شود که درآمدهای دولتی را از بین می‌برد. از نظر استراتژیک، ایران نفوذ خود را از دست خواهد داد، زیرا مشارکت آن با پکن عمدتاً بر پایه نفت بنا شده است.

به زبان ساده بازار می‌ترسد، اما ابزارهای جذب شوک هم زیاد شده‌اند. اقتصاد جنگ زیرساخت‌ها دیگر تنها با شمارش «بشکه‌های از دست‌رفته» تعریف نمی‌شود، بلکه با زنجیره‌ای از هزینه‌های افزوده گره خورده است. هر حمله موفق به ترمینال یا پالایشگاه نه تنها نرخ‌های بیمه جنگ و خطر را افزایش می‌دهد، بلکه مسیرهای کشتیرانی را وادار به تغییر می‌کند و زمان از دست‌رفته به‌طور مستقیم در قیمت تمام‌شده انعکاس می‌یابد.

در همین حال، ناوگان سایه‌ای که برای دور زدن تحریم‌ها شکل گرفته، با هر موج تازه ریسک، بخشی از ظرفیت خود را موقتاً از دسترس خارج می‌بیند یا مجبور می‌شود با هزینه‌های بالاتر فعالیت کند. آتش‌سوزی در پالایشگاه‌ها، مانند نمونه نواشاختینسک بیشتر از آنکه بر بازار نفت خام اثر بگذارد، حاشیه سود فرآورده‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد و می‌تواند بازار گازوئیل و سوخت‌های میانی را در اروپا و آفریقا دچار بی‌ثباتی کند. در مجموع، این جنگ زیرساختی نوعی «ریسک سیستماتیک محلی» تولید می‌کند که بازار جهانی به کمک مازاد عرضه آن را مهار می‌کند، اما هزینه نهایی از جیب بیمه‌گر، حمل‌ونقل و در نهایت مصرف‌کننده پرداخت می‌شود.

صلح مهندسی‌شده آمریکا

واشنگتن در هفته‌های اخیر تلاش کرده مسیر گفت‌وگو میان مسکو و کی‌یف را زنده نگه دارد؛ اما هر بار که دود از ترمینال یا ایستگاه پمپاژ بلند می‌شود، «فضای اعتماد» در میز مذاکره تهی‌تر می‌شود. پیام اوکراین روشن است: تا زمانی که انرژی (منبع مالی جنگ روسیه) در معادلات صلح لحاظ نشود، توافق پایدار نیست. در طرف مقابل، کرملین حملات را نشانه نبود تضمین امنیتی می‌خواند و سخت‌تر امتیاز می‌دهد. بازار هم این کشمکش را با «ریسک ژئوپلیتیک ممتد، اما قیمت‌پذیر» قیمت‌گذاری می‌کند: نه صلح کامل که پریمیوم را حذف کند، نه جنگ کنترل‌ناپذیر که بازار را از جا کند.

اروپا در سه سال گذشته سهم انرژی روسیه را به‌شدت کم کرده، اما «قطع کامل» هنوز رخ نداده است. واردات نفت و گاز روسیه نسبت به ۲۰۲۱ سقوط کرده، گاز روسیه در سبد واردات اروپا از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب به زیر ۵۲ میلیارد رسید و LNG آمریکا سهم اول را گرفت؛ با این حال، برخی مسیرها (از جمله دروژبا) برای کشورهای محصور در خشکی «حیات‌بخش» مانده‌اند.

نتیجه، همان شکاف سیاستی معروف است: برخی پایتخت‌ها حملات اوکراین را به‌عنوان «فشار مشروع» می‌بینند و برخی دیگر آن را «تهدید امنیت انرژی». این چندپارگی، دستیابی به یک استراتژی واحد برای قیمت‌گذاری ریسک و طراحی ذخایر راهبردی را سخت می‌کند.

بنا به گزارش نارنمای tradingeconomics.com و تا لحظه تنظیم این خبر قیمت شاخص برنت به ۶۸ دلار در هر بشکه رسید و نفت WTI حدود ۶۴ دلار در بشکه معامله شد. عامل کمکی بازار، امید به کاهش نرخ بهره در آمریکا و بهبود احساس ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران بوده؛ پیوندی که نشان می‌دهد نفت فقط داستان «بشکه» نیست، داستان «رشد جهانی» هم هست. اما دامنه افزایش‌ها همچنان با چتر مازاد عرضه مهار شد و بازار به‌جای حرکت هیجانی، «بله‌ای و محتاط» بالا رفت.

آینده بازار در سه سناریو

سناریوی پایه– پریمیوم پایدار: اگر حملات زیرساختی با همین بسامد ادامه یابد و تخریب‌های بزرگ‌مقیاس (از نوع از کاراندازی طولانی که‌هاب غظیم صادراتی) رخ ندهد، بازار در چارچوب مازاد عرضه ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۶ ریسک را هضم می‌کند. قیمت‌ها با پریمیوم ژئوپلیتیک ملایم بالاتر می‌مانند، اما جهش‌های عمودی محدود است.

سناریوی پرریسک– تخریب گره‌های صادراتی بلندمدت: اگر حمله‌ای منجر به تعطیلی طولانی‌مدت یک ترمینال کلیدی (مثل اوست-لوگا) یا بخشی از خط لوله دروژبا شده و ظرفیت جایگزین به‌موقع فعال نشود، این «پریمیوم ریسک» می‌تواند به «شوک عرضه» تبدیل شود، مخصوصاً در فرآورده‌های میانی (دیزل اجت). در این وضعیت، حاشیه سود فرآورده‌ها بالا می‌رود و اروپا مجبور می‌شود برای زمستان ذخایر بیشتری جمع کند.

سناریوی کاهنده ریسک– گشایش دیپلماتیک با طراحی انرژی‌محور: هر گونه پیشرفت واقعی در گفت‌وگوهای صلح که «انرژی» را در قالب آتش‌بس زیرساختی، ترتیب‌ات تضمین عرضه یا خطوط فرمز مشترک طرفین وارد متن توافق کند، می‌تواند پریمیوم را سریعاً تخلیه کند. اما نشانه‌های امروز حاکی از آن است که چنین گشایشی به‌سادگی دست‌یافتنی نیست.

پیام پنهان حملات اوکراین برای بازار چند لایه است؛ پالایشگران اروپایی باید بیش از نفت خام، ریسک فرآورده را جدی بگیرند و با تنوع سبد خوراک، شوک‌های پالایشی روسیه را مهار کنند. تجار و کشتیرانی ناچارند بیمه جنگ و مسیرهای جایگزین در باتلیک و دریای سیاه را از پیش قفل کنند، چراکه ناوگان سایه ناپایدار است و هر موج تحریمی می‌تواند هزینه حمل را جهش دهد. سیاستگذاران اروپایی باید توجه کنند که کشورهای عضو آسیب‌پذیری یکسانی ندارند، پس یک راه‌حل مشترک برای همه جواب نمی‌دهد و باید ذخایر و قرارداده‌ا را بر همین اساس مدیریت کنند.

حتی طراحان صلح هم می‌دانند بدون پیوست انرژی (از آتش‌بس زیرساختی تا رژیم‌های نظارتی) هیچ چارچوب سیاسی پایداری دوام ندارد؛ دود یک پالایشگاه می‌تواند متن یک توافق را به خاکستر بدل کند. با این حال، بازار در برابر شوک‌سازی مقاوم مانده؛ نه به این دلیل که ریسک کم شده، بلکه به این دلیل که ظرفیت جذب ریسک افزایش یافته؛ از رشد عرضه جهانی و مسیرهای صادراتی متنوع گرفته تا LNG و تغییر سبد واردات اروپا. این همان پارادوکس امروز است؛ هر حمله پریمیوم را شارژ می‌کند اما بازار فرو نمی‌ریزد.

اگر این روند ادامه پیدا کند، بازار نفت با «ریسک قابل پیش‌بینی» روبه‌رو خواهد بود: قیمت‌ها بالا می‌رود اما کنترل‌پذیر است، مگر اینکه یک بخش حیاتی از زیرساخت‌های نفتی برای مدت طولانی از کار بیفتد یا انرژی به‌عنوان موضوع اصلی وارد مذاکرات جنگ و صلح شود؛ در آن صورت، وضعیت بازار دیگر قابل پیش‌بینی نخواهد بود چرا که یا شوک واقعی رخ خواهد داد یا پریمیوم به‌سرعت تخلیه می‌شود؛ تا اطلاع ثانوی، نفت میان این دو کرانه در حرکت است: جنگ زیرساخت‌ها ادامه دارد و بازاری که هنوز نفس کم نیاورده است.

نفت دیگر تنها کالایی اقتصادی نیست، بلکه یک ابزار دیپلماتیک در چانه‌زنی میان قدرت‌ها محسوب می‌شود.
وزیر نفت از تدابیر بسیار خوب وزارت نفت برای تأمین سوخت زمستانی خبر داد و گفت: سطح ذخایر سوخت مایع نیروگاهی تا ۲۵ مرداد امسال حدوداً ۶۰ درصد نسبت به پارسل بیشتر است. به گزارش شانا، محسن پاک‌نژاد در گفت‌وگویی با بیان اینکه بخش عمده گاز طبیعی در زمستان در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء مصرف می‌شود، تأکید کرد: سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ا با سوخت مایع جبران شود. وی با اشاره به تدابیر بسیار خوبی که در وزارت نفت اندیشیده شده است، تصریح کرد: ذخایر سوخت مایع نیروگاهی تا ۲۵ مرداد امسال حدوداً ۶۰ درصد نسبت به پارسال بیشتر است. زمستان گذشته کمبود ذخیره سوخت مایع در نیروگاه‌ها نگرانی‌های زیادی در خصوص پایداری شبکه‌های انرژی کشور به وجود آورد. گفته می‌شد که این شرایط به دلیل مصرف بیش از حد سوخت مایع در تابستان شکل گرفته بود. نیروگاه‌هایی که امکان مصرف سوخت مایع دارند در تابستان سال گذشته سوخت عمدتاً گازوئیل خود را مصرف کرده بودند و در زمستان با مشکل مواجه شدند. این موضوع به عواملی چون کاهش عرضه گاز در فصول گرم و افت تحویل سوخت مایع به آنها مرتبط داده می‌شد.

نفت دیگر تنها کالایی اقتصادی نیست، بلکه یک ابزار دیپلماتیک در چانه‌زنی میان قدرت‌ها محسوب می‌شود.

نقشه راه تجارت و لجستیک
در تعمیق و تجمع این علوم کسب شده به‌خرد برسند. بر همین مبنا می‌توان در بازاریسازی و تبلیغات، بسیار هوشمندانه‌تر، کم‌هزینه‌تر و اثرگذارتر ورود کرد. در بخش لجستیک هم اطلس تجاری می‌تواند بهترین مسیرها و بهینه‌ترین حالت‌های حمل‌ونقل را پیشنهاد دهد. رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با اعلام این مطلب گفت: توسعه لجستیک یک فرآیند زمان‌بر است؛ بنابراین باید در توسعه این بخش، دید آینده‌نگرانه و در هم تنیده با اطلس تجاری داشت. به عنوان نمونه ممکن است طی سال‌های آتی و بر مبنای اطلس تجاری به این نتیجه برسیم که از خام‌فروشی سنگ آهن دست کشیده و به سمت صادرات کالاهای با ارزش افزوده مانند میکرد برویم. بنابراین در این شرایط، توسعه لجستیک بر مبنای اطلس تجاری باعث تغییر مسیرها و نوع حمل‌ونقل از فلز به کانتینر ۴۰ فوت خواهد شد. از طرف دیگر، توسعه لجستیک در این بخش بدون لحاظ کردن اطلس تجاری ممکن است ما را با زیرساخت‌های حمل‌فله مواجه کند که طی سال‌های آتی از توجیه اقتصادی خارج شده است. مدنی افزود: صادرات سنگ‌های زینتی مثال دیگری برای بیان در هم تنیدگی موضوع اطلس تجاری و لجستیک است. مثلاً فارغ از اطلس تجاری و با نگاه خام‌فروشی، نوع حمل‌ونقل در این زمینه قاعدتاً به صورت کشنده‌های کفی خواهد بود اما در نگاه مبتنی بر اطلس تجاری و خودداری از خام‌فروشی، ممکن است به این نتیجه برسیم که سنگ‌های زینتی را به دلیل حجم کم می‌توان با هواپیماهای مسافربری هم صادر کرد. در این شرایط که اطلس تجاری ضرورت تغییر حالت حمل‌ونقل را هم گوشزد کرده است، در بخش لجستیک باید به بررسی زیرساخت‌ها و قوانین این حوزه برای فراهم شدن امکان استفاده از حمل‌ونقل هوایی در صادرات سنگ‌های زینتی پرداخت. رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند در ادامه گفت: مثلاً در بحث دارو فرض کنید با اتکا به اطلس تجاری، زمینه برای صادرات این کالای با ارزش فراهم شده است. در این شرایط به حمل‌ونقل هوایی یا استفاده از کانتینرهای یخچال‌دار نیاز پیدا می‌کنیم. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت توسعه لجستیک باید مبتنی بر چشم آینده‌نگری چون اطلس تجاری برای رفع نیازهای آینده باشد نه رفع نیازهای گذشته که با آن درگیر بوده‌ایم. وی افزود: در مواردی که ممکن است نوع حمل بار تغییر نیابد اما مبدأ واردات عوض شود. مثلاً ممکن است از اطلس تجاری این نتیجه حاصل شود که واردات نهاده‌های دامی از آسیای میانه مقرون‌به‌صرفه‌تر از آمریکای جنوبی است. در این شرایط به جای توسعه امکانات تخلیه بار فله، ممکن است به توسعه گمرکات جدید نیاز پیدا کنیم.

نقشه راه تجارت و لجستیک

در تعمیق و تجمع این علوم کسب شده به‌خرد برسند. بر همین مبنا می‌توان در بازاریسازی و تبلیغات، بسیار هوشمندانه‌تر، کم‌هزینه‌تر و اثرگذارتر ورود کرد. در بخش لجستیک هم اطلس تجاری می‌تواند بهترین مسیرها و بهینه‌ترین حالت‌های حمل‌ونقل را پیشنهاد دهد. رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با اعلام این مطلب گفت: توسعه لجستیک یک فرآیند زمان‌بر است؛ بنابراین باید در توسعه این بخش، دید آینده‌نگرانه و در هم تنیده با اطلس تجاری داشت. به عنوان نمونه ممکن است طی سال‌های آتی و بر مبنای اطلس تجاری به این نتیجه برسیم که از خام‌فروشی سنگ آهن دست کشیده و به سمت صادرات کالاهای با ارزش افزوده مانند میکرد برویم.

بنابراین در این شرایط، توسعه لجستیک بر مبنای اطلس تجاری باعث تغییر مسیرها و نوع حمل‌ونقل از فلز به کانتینر ۴۰ فوت خواهد شد. از طرف دیگر، توسعه لجستیک در این بخش بدون لحاظ کردن اطلس تجاری ممکن است ما را با زیرساخت‌های حمل‌فله مواجه کند که طی سال‌های آتی از توجیه اقتصادی خارج شده است.

مدنی افزود: صادرات سنگ‌های زینتی مثال دیگری برای بیان در هم تنیدگی موضوع اطلس تجاری و لجستیک است. مثلاً فارغ از اطلس تجاری و با نگاه خام‌فروشی، نوع حمل‌ونقل در این زمینه قاعدتاً به صورت کشنده‌های کفی خواهد بود اما در نگاه مبتنی بر اطلس تجاری و خودداری از خام‌فروشی، ممکن است به این نتیجه برسیم که سنگ‌های زینتی را به دلیل حجم کم می‌توان با هواپیماهای مسافربری هم صادر کرد. در این شرایط که اطلس تجاری ضرورت تغییر حالت حمل‌ونقل را هم گوشزد کرده است، در بخش لجستیک باید به بررسی زیرساخت‌ها و قوانین این حوزه برای فراهم شدن امکان استفاده از حمل‌ونقل هوایی در صادرات سنگ‌های زینتی پرداخت. رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند در ادامه گفت: مثلاً در بحث دارو فرض کنید با اتکا به اطلس تجاری، زمینه برای صادرات این کالای با ارزش فراهم شده است. در این شرایط به حمل‌ونقل هوایی یا استفاده از کانتینرهای یخچال‌دار نیاز پیدا می‌کنیم. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت توسعه لجستیک باید مبتنی بر چشم آینده‌نگری چون اطلس تجاری برای رفع نیازهای آینده باشد نه رفع نیازهای گذشته که با آن درگیر بوده‌ایم.

وی افزود: در مواردی که ممکن است نوع حمل بار تغییر نیابد اما مبدأ واردات عوض شود. مثلاً ممکن است از اطلس تجاری این نتیجه حاصل شود که واردات نهاده‌های دامی از آسیای میانه مقرون‌به‌صرفه‌تر از آمریکای جنوبی است. در این شرایط به جای توسعه امکانات تخلیه بار فله، ممکن است به توسعه گمرکات جدید نیاز پیدا کنیم.

تبعات توسعه لجستیک بدون آینده‌نگری

توسعه لجستیک بدون در نظر گرفتن اطلس تجاری، منجر به ایجاد زیرساخت‌های ناکارآمد و بدون استفاده خواهد شد. رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با اعلام این مطلب به «دنیای اقتصاد» گفت: تخصیص درست منابع برای توسعه زیرساخت‌های لجستیک، ارتباط مستقیمی با آینده‌نگری در بحث ورود و خروج بارهای ترانزیتی و صادراتی و وارداتی دارد. اگر این موارد به صورت جزیره‌ای و جدا از یکدیگر پیش برود، در بهترین حالت ممکن است مثلاً طی یک بازه ۱۰ ساله موفق به حل چالش‌های کنونی شویم. این فرصت از دست رفته



پارادوکس تاب‌آوری بازار نفت

لیلا جلیلووند – در ظاهر، هر حمله اوکراین به تأسیسات نفتی روسیه باید «خبر بد» بازار باشد چرا که عرضه مختل می‌شود و قیمت‌ها طبیعتاً با ید جهش چشم‌گیر داشته باشند.

اما واقعیت این روزهای بازار نفت پیچیده‌تر است: قیمت‌ها بالا می‌روند، اما جهش‌های بزرگ رخ نمی‌دهد؛ ریسک‌های ژئوپلیتیک شعله‌ور می‌شوند، اما ساختار بازار جهانی (با مازاد عرضه پیش‌رو و مسیرهای تازه صادرات) شوک را جذب می‌کند. تازه‌ترین موج حملات اوکراین به ایستگاه پمپاژ «اونچا» در مسیر خط لوله دروژبا، ترمینال سوخت «اوست-لوگا» و پالایشگاه «نواشاختینسک» یک‌بار دیگر این «پارادوکس تاب‌آوری» را عیان کرد: بهای برنت و WTI روز دوشنبه ۲۵ ماه اوت و به دنبال حملات اوکراین به زیرساخت‌های نفتی مسکو بالا رفتند، اما نه آن‌قدر که از کنترل خارج شوند. در این مقطع فراتر از روایت کلیشه‌ای «حمله اوکراین – جهش قیمت»، آنچه اهمیت دارد این است که جنگ زیرساخت‌ها چگونه ریسک بیمه و حق بیمه حمل را افزایش داده، ناوگان سایه را فعال‌تر کرده، شکاف‌های درون اتحادیه اروپا را عمیق‌تر ساخته و حتی روند صلح طراحی‌شده در واشنگتن را تحت‌تأثیر قرار داده است؛ و با وجود همه این تحولات، بازار جهانی هنوز با یک شوک تمام‌عیار فاصله معناداری دارد.

صحنه عملیات: از «اونچا» تا «اوست-لوگا»

اوکراین در هفته استقلال خود دامنه حملات به زیرساخت‌های انرژی روسیه را گسترش داد: آتش‌سوزی بزرگ در ترمینال صادراتی «اوست-لوگا» در ساحل بالتیک، تداوم حریق در پالایشگاه «نواشاختینسک» با ظرفیت حدود ۱۰۰ هزار بشکه در روز و تأیید حمله به ایستگاه پمپاژ «اونچا» که به‌طور مستقیم به مسیر اروپا از طریق دروژبا متصل است. نتیجه کوتاه‌مدت روشن بود: قیمت‌ها بالا رفت و نگرانی از اختلال عرضه افزایش یافت. اما این تصویر یک لایه پنهان هم دارد: هر حلقه از زنجیره صادرات روسیه که آسیب ببیند، هزینه‌های پنهان دیگری را فعال می‌کند؛ از بیمه و ریسک کشتی‌رانی تا زمان‌بندی بارگیری و تغییر مسیر معمولها. خط لوله «دروژبا» همچنان شاه‌رگ انتقال نفت روسیه به اروپای مرکزی از جمله مجارستان و اسلواکی است.

حمله به تأسیسات نفتی روسیه دو پیام داشت: نخست، اوکراین می‌تواند عمق خاک روسیه و حلقه‌های کلیدی صادرات را هدف بگیرد؛ دوم، هر اختلال در این مسیر، تفاوت در میزان آسیب‌پذیری کشورهای درون اتحادیه اروپا را برملا می‌کند. همین چند روز پیش، مجارستان و اسلواکی زنگ خطر کمبود را به صدا درآوردند و از بروکسل تضمین خواستند. در مقابل، آلمان گفت تأمین پالایشگاه «شودت» مختل نشده است. این ناهمگونی، اجماع سیاسی اروپا را دشوار و حاشیه‌مانور کی‌یف در «جاری توازن» با اروپا را پیچیده‌تر می‌کند.

چرا بازار «می‌ترسد»، اما قیمت «جهش» نمی‌کند؟

پاسخ در «تابناخت ظرفیت عرضه» و «تنوع مسیرها» ست. طبق تازه‌ترین ارزیابی‌ها، مازاد عرضه در ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ رو به افزایش است؛ آژانس بین‌المللی انرژی رشد عرضه جهانی در ۲۰۲۵ را چشم‌گیر و رشد تقاضا را محدودتر می‌بیند. وقتی رشد تقاضا کند می‌شود و تولیدکنندگان بیرون از ائتلاف اوپک پلاس (از آمریکا تا برزیل و گوینا) میدان می‌گیرند، «ضربه‌های مقطعی» به تأسیسات روسیه به‌جای ساختن شوک پایدار، به‌صورت «پریمیوم ریسک» در قیمت‌ها پخش می‌شود.

افزایش ۶۰ درصدی ذخایر سوخت مایع نیروگاهی
وزیر نفت از تدابیر بسیار خوب وزارت نفت برای تأمین سوخت زمستانی خبر داد و گفت: سطح ذخایر سوخت مایع نیروگاهی تا ۲۵ مرداد امسال حدوداً ۶۰ درصد نسبت به پارسل بیشتر است. به گزارش شانا، محسن پاک‌نژاد در گفت‌وگویی با بیان اینکه بخش عمده گاز طبیعی در زمستان در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء مصرف می‌شود، تأکید کرد: سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ا با سوخت مایع جبران شود. وی با اشاره به تدابیر بسیار خوبی که در وزارت نفت اندیشیده شده است، تصریح کرد: ذخایر سوخت مایع نیروگاهی تا ۲۵ مرداد امسال حدوداً ۶۰ درصد نسبت به پارسال بیشتر است. زمستان گذشته کمبود ذخیره سوخت مایع در نیروگاه‌ها نگرانی‌های زیادی در خصوص پایداری شبکه‌های انرژی کشور به وجود آورد. گفته می‌شد که این شرایط به دلیل مصرف بیش از حد سوخت مایع در تابستان شکل گرفته بود. نیروگاه‌هایی که امکان مصرف سوخت مایع دارند در تابستان سال گذشته سوخت عمدتاً گازوئیل خود را مصرف کرده بودند و در زمستان با مشکل مواجه شدند. این موضوع به عواملی چون کاهش عرضه گاز در فصول گرم و افت تحویل سوخت مایع به آنها مرتبط داده می‌شد.

در شرایطی که تجارت خارجی ایران با چالش‌های متعددی از جمله هزینه‌های بالای حمل‌ونقل، از دست رفتن بازارهای صادراتی و توسعه نامتوازن زیرساخت‌ها مواجه شده، کارشناسان بر لزوم نگاه آینده‌نگرانه به پیوند تجارت و لجستیک تأکید می‌کنند. نقشه راه تجارت و لجستیک

تجارت جهانی امروز تنها به تولید و فروش کالا محدود نمی‌شود؛ بلکه کیفیت و کارآمدی مسیرهای لجستیک، تعیین‌کننده اصلی موفقیت کشورها در رقابت اقتصادی است. ایران با وجود موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد، همچنان از فقدان یک نقشه جامع برای پیوند تجارت و لجستیک رنج می‌برد. به گزارش «دنیای اقتصاد»، مفهوم «اطلس تجاری» تبیین‌کننده این واقعیت است که آینده تجارت ایران تنها زمانی تضمین خواهد شد که سیاستگذاران با دیدی آینده‌نگر، هم‌زمان به توسعه زیرساخت‌های سخت (مانند بنادر و حمل‌ونقل) و زیرساخت‌های نرم (مانند قوانین و سامانه‌های نظارتی) بپردازند؛ مفهومی که می‌تواند هم نقشه جهت‌گیری‌های تجاری کشور و هم مبنای توسعه زیرساخت‌های لجستیک باشد.

بی‌توجهی به این نگاه آینده‌نگر نه تنها مانع از ایجاد مزیت رقابتی برای ایران می‌شود، بلکه در بلندمدت زیرساخت‌های فعلی را بدون استفاده کرده و کشور را با ابرچالش‌های جدیدی در حوزه تجارت و ترانزیت مواجه خواهد کرد؛ ضمن اینکه سرمایه‌گذاری‌های کنونی در بخش لجستیک را نیز بی‌اثر کرده و کشور را از فرصت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی محروم می‌کند. اما کارکرد اطلس تجاری دقیقاً چیست؟ اطلس تجاری می‌تواند مسیرهای بهینه حمل‌ونقل را مشخص کرده، نیازهای آینده در حوزه صادرات و واردات را پیش‌بینی و از ایجاد زیرساخت‌های ناکارآمد جلوگیری کند. راه‌برون‌رفت از معضلات فعلی در توسعه متوازن بنادر، اصلاح قوانین، مکانیزه‌سازی نظارت‌ها و بهره‌گیری از هوش مصنوعی است.

در هم تنیدگی لجستیک و تجارت

لجستیک و تجارت دو مفهوم در هم تنیده است که نمی‌توان آنها را جدا از هم تجزیه و تحلیل کرد. سید طه‌حسین مدنی، رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» ضمن اعلام این مطلب افزود: لجستیک با جریان منابع از مبدأ تا مصرف، موضوعات و مسائل کلّی چون انبارداری، بارگیری و حمل‌ونقل را در بر گرفته‌است بنابراین تجارت به دلیل وابستگی مستقیم به این موضوعات، بدون برآوردهای لجستیک معنایی ندارد. مدنی ادامه داد: برای اینکه هم در بخش تجارت و هم در بخش لجستیک عملکرد موفق‌تری داشته باشیم، باید ضمن برآورد وضع فعلی، با چشمی آینده‌نگر به تجارت و لجستیک نگاه کرد. این نگاه آینده‌نگرانه را می‌توان در مفهومی به نام «اطلس تجاری» ترسیم و در آن مزوومات لجستیک را هم لحاظ کرد.

آینده‌نگری اطلس تجاری و توسعه لجستیک

«اطلس تجاری» یکی از پایه‌ای‌ترین، قابل فهم‌ترین و سریع‌الوصول‌ترین راهکارها با اثرگذاری فوری در موضوع تجارت است. اطلس نوعی از اطلاعات ساده شده است که تجار و نهادهای پژوهشی از تحلیل آن می‌توانند به علوم مبتنی بر تجربه و داده‌های واقعی رسیده و

♥ **خرد جمعی برای حل بحران‌ها**

پانزدهمین رویداد جامع معدن و صنایع معدنی از صبح روز دوشنبه ۲۷ مردادماه به همت گروه رسانه‌ای «دنیایاقتصاد» در مرکز همایش‌های برج میلاد آغاز به کار کرد. این رویداد تا ۳۰ مردادماه ادامه دارد. بررسی چالش‌های اصلی بخش معدن و صنایع معدنی از جمله تنازازی‌های انرژی، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، الزامات محیط زیستی در کنار تداوم فعالیت‌های معدنی و همچنین تحقق اهداف توسعه‌ای در زنجیره فولاد کشور، از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این همایش بودند. در همین حال ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار بخش معدن مورد توجه سخنرانان این رویداد مهم معدنی قرار گرفت. سیدمحمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در پیامی ویدئویی خطاب به حاضران در این همایش، به نقش رویداد جامع معدنی و صنایع معدنی «دنیای اقتصاد» در مسیر پیشرفت صنایع اشاره داشت و تأکید کرد که گذار از ابربحران‌های کنونی نیازمند خرد جمعی و بهره‌مندی از نظرات متخصصانی همچون حاضرین در این رویداد است.

در ابتدا علیرضا بختیاری، مدیرمسئول ضمن خوشامدگویی به حاضران، در رابطه با چالش‌های بخش معدن ایران گفت: در سال‌های اخیر، با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده، تغییرات سریع بازارهای جهانی و نیاز به انطباق با استانداردهای بین‌المللی، معدن و صنایع معدنی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در یکسو، نوسانات قیمت مواد اولیه، ناترازی انرژی و ریسک‌های سیاسی و در سوی دیگر، فشارهای زیست‌محیطی و الزامات قانونی جدید، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

بختیاری در ادامه گفت: در سال‌های گذشته، این هشدار داده شد که سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی رشد قابل اعتنایی ندارد و رشد بلندمدت این بخش در معرض خطر است. اکنون متأسفانه همه آن نگرانی‌ها به‌قوت خود باقی است و مسائل دیگری نیز به آن اضافه شده است. او تأکید کرد: نخستین و مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که راه فعالیت‌های اقتصادی را نامحور کرده، تهدید خارجی و موانع تحریمی است. مرتفع کردن این موانع، در گرو افزایش تحرک دسته‌جمعی و تقویت هوای دفاعی کشور و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحکیم وحدت ملی است. بختیاری ادامه داد: ایران در دو دهه اخیر بسیاری از فرصت‌های اصلاح اقتصادی را از دست داده است و در سال جاری که قرار بود استع مطابق مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله، به «جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی» دست یابد، با این هدف فاصله زیادی دارد.

گفت: با این حال، هنوز روزنه‌های امید گشوده است و با مدیریت علمی و سنجیده امور می‌توان اوضاع را بهتر کرد. بنیاد معدن و صنایع معدنی از جنبه تولید بر نوسازی تکنولوژی و از جنبه تجاری بر صادرات استوار است. فعالان صنایع معدنی برای اجرایی کردن این دو جز، مکمل، قابلیت‌های تخصصی کافی دارند و به کمک دولت نیاز ندارند، اما این فعالیت‌های تکنیکی و بنگاهی خواه ناخواه با سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های دولت گره خورده است.

بختیاری در پایان تأکید کرد: امیدواریم دولت با درس گرفتن از تجربه‌ها و ناکامی‌ها در زمینه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و کاستی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم‌توازن‌های آشکار و پنهان در بودجه‌های سالانه، اکنون متقاعد شده باشد که اهالی کسب‌وکار و بازارها منطق اقتصاد را بهتر می‌شناسند و هر چه فاصله دولت از بنگاهداری و تصدی‌گری بیشتر شود، چشم‌انداز رشد اقتصادی و رفاه همگانی روشن‌تر می‌شود. ضرورت اتکا بر خرد جمعی برای مواجهه

با ابربحران‌ها

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت در پیامی ویدئویی برای حاضران در رویداد جامع معدن و صنایع معدنی ۱۴۰۴، از پیشکسوتان، اندیشمندان و متخصصان حاضر در این همایش قدردانی کرد و گفت: قدردان برگزاری سالانه همایش معدن و صنایع معدنی توسط مجموعه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» هستیم. هر ساله بر غنای این همایش افزوده شده است. این رویداد در طول سالیان گذشته تاثیر بسزایی بر پیشرفت صنایع داشته است و در همین راستا از زحمات مدیرمسئول این گروه رسانه‌ای تشکر می‌کنم.

او ضمن اشاره به برگزاری همایش جامع معدن و صنایع معدنی در ترازوی جهانی افزود: این رویداد در سال جاری بنا ابتکار و ایجاد رویکردی جدید به تولید و بازار برگزار می‌شود و اثرات مثبت و ماندگاری را برای صنایع به دنبال خواهد داشت. وزیر صمت با اشاره به بحران‌های پیش روی صنعت و معدن گفت: در حال حاضر فعالان بخش معدن و صنایع معدنی با چالش‌های متعددی در روند فعالیت خود مواجه هستند. این مشکلات در سال‌های گذشته شدت گرفته و اکنون به ابربحران بدل شده‌اند. تنازازی انرژی یکی از همین ابربحران‌هایی است.

اگر افسانه‌ها واقعی بودند، چه می‌شد؟ اگر جهان به شکلی بود که افسانه رنگ واقعیت می‌گرفت، احتمالاً کیمیاگری دیگر یک خیال خام نبود. یا مثلاً الدورادو دیگر یک شهرخیالی با کوه‌هایی از طلا نبود. می‌شد با انواع رمز و رازهای کیمیاگران، از خاک سیاه طلای ناب ساخت و همه را ثروتمند کرد. می‌شد شکلی از جهان را خلق کرد که در آن هرکس با فراغ بال در پی ساختن جهانی باشد که در آن منابع بسیار زیاد است. کار معدن و صنایع معدنی همین است. اغراق نیست اگر بگوییم اکتشاف پهنه‌های معدنی بسیار بزرگ و ثروت‌ساز در ایران می‌تواند افسانه‌ها را واقعی و دنیایی بی‌نهایت بهتر را برای ۸۵ میلیون ایرانی بسازد. اکتشاف امروز آنقدر مهم و حیاتی است که می‌تواند با تبدیل کردن معدن به نفت جدید اقتصاد ایران، «کشور» را از نو به ریل توسعه بازگرداند. چرا؟ پاسخ روشن است.

نقشه گنج ۱۰ تریلیون دلاری

ایران با دارا بودن حجم عظیمی از منابع طبیعی با ارزش بالغ بر ۲۷ تریلیون دلار، پس از روسیه، آمریکا، کانادا و عربستان، در جایگاه پنجمین دارنده ذخایر ثروت به ویژه منابع معدنی استقرار دارد. گزارشی که ماینینگ دات‌کام منتشر کرده نشان می‌دهد ایران یکی از سرزمین‌های افسانه‌ای برای اکتشاف و تولید معدنی است که با این حال، تنها ۲ درصد از این ذخایر شناسایی و بهره‌برداری شده‌اند. بحرانی که نشان‌دهنده کج‌توجهی تاریخی به ظرفیت بالای توسعه معدن‌کاری در ایران برای تولید است. ظاهراً در سال‌های اخیر، رویکردهای نوین و تحول‌آفرینی در زمینه اکتشافات معدنی و تولید داده‌های پایه، از جمله همکاری‌های گسترده با بخش خصوصی و دانشگاه‌ها، استفاده از فناوری‌های هوشمند و هابرد، و ارتقای استانداردهای آزمایشگاهی، زمینه‌ساز تسریع در توسعه این بخش و افزایش ارزش افزوده برای توسعه اکتشافات معدنی خواهد بود. این تحولات، با نگاه ویژه به مشارکت بین‌المللی و بهره‌گیری از توان فنی و مالی بخش خصوصی، می‌تواند به محرکی قوی برای رشد اقتصادی پایدار کشور تبدیل شود. با اینحال نمی‌توان از این خطای تاریخی گذشت که در کشوری که مواد معدنی همچون گنج‌های باستانی در جای‌جای آن نهفته است، در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۴۰۴ این اندازه بی‌توجهی به تهیه و تدوین نقشه ذخایر معدنی صورت گرفته باشد.

وضعیت اکتشافات معدنی

ایران به عنوان یکی از پنج گنج پنهان معدنی جهان، اگر به اندازه کافی اکتشاف شده بود امروز از منظر نقش‌آفرینی معدنی در زنجیره‌های جهانی تأمین دست‌کم چیزی در حد و اندازه کانادا یا استرالیا بود. اما کاهلی داخلی و تحریم‌های بین‌المللی همه دست به دست هم داد تا اینکه ایران از گردونه رقابت با رقبا جا بماند. جالب اینکه اگر ایران به سمت بهره‌برداری از حداقل ۵ درصد منابع طبیعی خود می‌رفت راه را برای دست‌کم ۱۴۰۰ میلیارد دلار منابع معدنی جهت فـرآوری و صادرات خام با می‌کرد. این یعنی اگر کشور در دو دهه اخیر بیش از ۱ تریلیون دلار درآمد نفتی نداشته، معدن نیز می‌توانست در صورت توسعه اکتشاف و تجهیز و سرمایه‌گذاری به همین اندازه برای ایرانیان ثروت و قدرت به همراه آورد.

جالب اینکه یک تخمین کلی از ذخایر معدنی خام و ارزش‌آفرینی آنها در بخش صنعت و معدن نشان می‌دهد کشور می‌توانست با این دارایی عظیم حدود ۱۰ تریلیون دلار ثروت خلق کند یا به اقتصاد جهان این ثروت را ارزانی دارد. با اینحال تاکنون تنها حدود ۲ درصد از ذخایر معدنی کشور شناسایی



نقشه گنج ۱۰ تریلیون دلاری

✎ **عروشی‌ا حسن پور** – اگر افسانه‌ها واقعی بودند، چه می‌شد؟ اگر جهان به شکلی بود که افسانه رنگ واقعیت می‌گرفت، احتمالاً کیمیاگری دیگر یک خیال خام نبود. یا مثلاً الدورادو دیگر یک شهرخیالی با کوه‌هایی از طلا نبود.

یک کارگر در یک معدن روبه‌راه در استان خراسان جنوبی.

و بهره‌برداری شده‌اند. این فاصله گسترده میان ذخایر کشف شده و کل ذخایر موجود، به ما یک کلید طلایی برای عبور از بحران‌های مختلف اقتصاد ایران می‌دهد. اینکه با باز کردن مسیر توسعه معدنکاری در ایران، ضمن پر کردن شکاف ۹۸ درصدی موجود راه را برای وارد شدن ایران به یک بازی بزرگ باز کنیم. اخیراً و از زمان روی کار آمدن دولت چهاردهم فضا برای کار بخش خصوصی فراهم شده و حجم پروژه های اکتشاف با یک رشد نمای ۷ برابر شده است. رشدی که بخش عمده آن مدیون به رسمیت شناخته شدن بخش خصوصی در حوزه اکتشاف است. وزارت صمت که متولی حوزه اکتشاف و زمین‌شناسی است با آگاهی از ضرورت شناسایی منابع معدنی به عنوان گام اول توسعه این بخش سعی کرده داده‌های پایه را برای شرکت‌های معدنی و اکتشاف‌گران مهیا کندف از روش‌های نوین نظیر تحلیلگری داده مبتنی بر هوش مصنوعی برای شناخت بهتر از ویژگی‌های فنی پهنه معدنی ایران سود می‌برد و

چند راهبرد کلیدی در زمینه اکتشاف

داده، نقشه، مجوز و پشتیبانی؛ اینها همه چیزهایی است که دولت در کشورهای موفق در حوزه معدنکاری به بخش خصوصی می‌دهند تا رنگ شروع اقتصاد به صدا درآید. اکتشاف، فعالیتی پرریسک و پیچیده است؛ اما در بسیاری از کشورهای جهان، دولت‌نقش تسهیل‌گر و حمایتی در این زمینه دارند و بخش خصوصی عمدتاً در مراحل بعدی بهره‌برداری و فراوری وارد می‌شود. در ایران نیز وزارت صمت با مأموریت اصلی تولید و انتشار داده‌های پایه معدنی، توانسته است ریسک اکتشاف را تا حدود ۷۰ درصد کاهش دهد. این نهاد با تمرکز بر تولید داده‌های پایه و فراهم‌کردن دسترسی سریع و آسان آن برای بخش خصوصی، بستتر مناسبی برای ورود سرمایه‌گذاران و توسعه فعالیت‌های معدنی فراهم می‌کند.

یکی از تحولات کلیدی در رویکرد جدید وزیر صمت به حوزه اکتشاف و زمین‌شناسی، واگذاری فعالیت‌های مربوط به گواهی کشف و معدن‌داری به بخش خصوصی و متمرکز شدن سازمان بر تولید داده‌های پایه‌است. این تغییر رویکرد باعث شده‌است که سازمان تابعه صمت بیشتر به نقش تسهیل‌گری و ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی معدنی بپردازد و از ورود مستقیم به فعالیت‌های معدن‌داری پرهیز کند.

در راستای توسعه و به‌روزرسانی فرآیندهای اکتشافی نیز، سیدمحمد اتابک چند راهبرد کلیدی تعریف کرده‌است: ده فرمان صادره برای معدنکاری مدرنیزاسیون به این شرح‌اند:

- توسعه نظام داده‌های پایه اکتشاف
- استفاده از توان و سرمایه بخش خصوصی
- دیجیتایی کردن روندها
- هوشمندسازی فعالیت‌های اکتشافی
- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی در فرایند تحلیل و گزارش دهی
- استفاده از روش‌های پیشرفته ژئوفیزیک هابرد
- واگذاری مهترین روندهای نوآورانه و فنی و آزمایشگاهی و اجرایی به دانشگاه‌های برتر کشور
- ورود به فاز اکتشاف معدنی در دریا‌های شمال و جنوب کشور
- استانداردسازی فرآیندهای علمی و آزمایشگاهی

یک معدن روبه‌راه در استان خراسان جنوبی.

معاملات جهانی طلا در شامگاه جمعه، در قیمت ۳۳۳۵ دلار بر اونس پایان یافت.قیمت طلا در روزهای آغازین هفته، به دلیل فروکش کردن شوک ناشی از بحث تعرفه بر طلای سوئیس، کاهش یافت و حتی به کف کوتاه‌مدتی نزدیک به ۳۳۴۰ دلار رسید. انتشار گزارش شاخص مصرف‌کننده مطابق انتظار، اندکی موجب رشد قیمت شد، اما اثر آن پایدار نماند. سپس گزارش PPI بالاتر از پیش‌بینی‌ها، انتظارات برای کاهش نرخ بهره فدرال‌رزرو در ماه سپتامبر را تضعیف کرد و قیمت طلا را به کف هفتگی در محدوده ۳۳۳۰ دلار بر اونس کشاند. پس از آن، بازار در محدودهای بسیار محدود نوسان کرد و گزارش‌هایی مانند خرده‌فروشی و اعتماد مصرف‌کننده تغییر محسوسی در معاملات جهانی طلا ایجاد نکردند. در گزارش کارشناسان وال‌استریت بر این بود که بازار در کوتاه‌مدت بیشتر در مسیر حرکت خنثی باقی خواهد ماند. نظرسنجی کیتکو نشان داد تنها ۱۰ درصد از تحلیلگران حرفه‌ای انتظار رشد قیمت داشتند، درحالی‌که ۸۰ درصد ادامه روند خنثی را پیش‌بینی کردند.

در مقابل، سرمایه‌گذاران خرد یا همان معامله‌گران خیابان اصلی (Main Street) خوش‌بینی بیشتری داشتند و ۶۳ درصد آنها انتظار رشد قیمت در هفته آینده را مطرح کردند.

چرا ثبت‌سفارش خودرو برای ایرانیان مقیم خارج متوقف است؟



باز نکرده است. اظهارات عسگری دو نکته مهم دیگر را دربرمی‌گیرد، یکی اینکه، واردات خودرو برایانیان خارج از کشور متوقف نشده است و آیین‌نامه واردات خودرو برای این اشخاص مشخص شده، بنابراین هم قانون و هم آیین‌نامه اجازه واردات خودرو از طریق ایرانیان خارج کشور را به دولت می‌دهد.

اما نکته قابل تأمل دیگری که در این بخش برای تسهیل واردات مانع ایجاد کرده، امکان ثبت‌سفارش است که به گفته معاون وزیر اقتصاد، موضوع این مصوبه واردات وجود ندارد، گفته که بانک مرکزی موافق واردات است اما متهم این ماجرا را سازمان توسعه تجارت خوانده که هنوز ثبت‌سفارش را بر روی خودروهای خارجی

۱۰- کمک به تأمین مالی پروژه‌ها

در کنار همه این موارد اجرای طرح تحول زمین‌شناسی با وزیر صمت سبب شده تا معدنکاری در ایران در ریل دیگری قرار گیرد.

همکاری دولت و بخش خصوصی

اکتشاف منابع معدنی، به عنوان مرحله‌ای حیاتی و پایه در توسعه معدنی، در سراسر جهان عمدتاً توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. دولت‌ها در سطح جهانی با تولید داده‌های پایه و کاهش ریسک اکتشاف، نقش تسهیل‌گر و زمینه‌ساز حضور بخش خصوصی را ایفا می‌کنند. در ایران نیز این رویکرد به صورت جدی دنبال می‌شود. بازوهای تخصصی وزارت صمت با تهیه و انتشار نقشه‌های ۱۵۰۰۰۰ ، اطلاعات پایه‌ای در قالب لایه‌های مختلف زمین‌شناسی، ژئوشیمی و زمین‌شناسی اقتصادی فراهم می‌آورد تا سرمایه‌گذاران و فعالان معدنی بتوانند با دانش و اطمینان بیشتری وارد عرصه اکتشاف شوند. این نقشه‌ها، هر یک شامل لایه‌های اطلاعاتی دقیق و متنوعی هستند که به صورت مستمر و با فناوری‌های نوین از جمله ژئوفیزیک هوایی تکمیل می‌شوند؛ به عنوان نمونه پروژه‌های ژئوفیزیک هوایی در منطقه جیرفت با حدود ۱۸ هزار کیلومتر مربع، هم‌اکنون در حال انجام است. همه این موارد منجر به افزایش ۷ برابری نقشه‌ها شده‌است.

تغییر رویکرد مهم دیگر، برون سپاری فعالیت‌های اکتشافی به بخش خصوصی و دانشگاه‌ها است؛ رویکردی که به کاهش بار سیاست‌گذاری و افزایش بهره‌وری منجر شده‌است. این برون سپاری در قالب مناصف و فراخوان به دانشگاه‌های معتبر کشور نظیر دانشگاه‌های تهران، شیراز، شهید بهشتی، خوارزمی، زنجان و تربیت مدرس و همچنین شرکت‌های دانش‌بنیان انجام می‌شود. این همکاری گسترده نشان‌دهنده توان علمی و اجرایی بالای بخش خصوصی و دانشگاهی در حوزه اکتشافات معدنی است.

بازنگری در عملیات

از ابتدای تشکیل سازمان زمین‌شناسی تاکنون عملیات انجام شده در ژئوفیزیک هابرد حدود ۶۰۰ هزار کیلومتر پرواز بوده است. درحالی‌که در برنامه هفتم توسعه هدف ۲ میلیون کیلومتر در نظر گرفته شده‌است. لذا برای رسیدن به این هدف، سازمان در حال بازنگری در تجهیزات و رویکردهای خود است. در مسیر توسعه اکتشافات معدنی، استفاده از فناوری‌های هوایی به عنوان ابزاری موثر برای جمع‌آوری داده‌های ژئوفیزیکی اهمیت بسزایی دارد. اما تجربه‌های پیشین نشان داده است که استفاده مستقیم از ناوگان هلیکوپتری با چالش‌های متعدد فنی، مالی و عملیاتی مواجه بوده‌است. محدودیت‌های پرواز در شرایط آب و هوایی نامساعد و هزینه‌های بالای نگهداری و بهره‌برداری از هلیکوپترها، این روش را از نظر اقتصادی توجیه‌ناپذیر کرده‌است. بنابراین وظیفه انجام عملیات هوایی به بخش خصوصی واگذار شده و وزارت صمت تنها نقش نظارتی و خرید خدمات را ایفا می‌کند. از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای اجرای حدود ۲ میلیون کیلومتر عملیات ژئوفیزیک هوایی، رقمی در حدود ۱۰ «همت» مورد نیاز است.

اکتشاف دریایی در ایران

وزیر جدید صمت در حوزه اکتشاف اقدامات موثری در خصوص بهره‌برداری از منابع موجود دریایی انجام داده که بسیاری از آن‌ها عملیاتی شده‌است. از طرفی برنامه جامع اکتشاف دریایی-ساحلی وزارت صمت مبتنی بر پروژه‌های کلان است. این پروژه‌ها با تمرکز ویژه بر منطقه مکران در حال انجام هستند که شامل بخش‌های دریایی، ساحلی و خشک است. این منطقه با توجه به اهمیت اقتصادی و راهبردی خود در اولویت قرار دارد، اما فعالیت‌ها در سایر مناطق نیز مانند گیلان، گلستان، مازندران و همچنین بندرعباس، بوشهر، چابهار و سیستان و بلوچستان ادامه دارد. یکی از اهداف کلیدی در این پروژه‌ها، تولید داده‌های پایه برای زیرساخت‌های توسعه‌ای مانند ساخت اسکله‌ها و بهبود اطلاعات رسوب‌شناسی و سنگ‌شناسی در نواحی ساحلی و دریایی است که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه صنایع وابسته به معدن و پتروشیمی شود.

تأمین مالی پروژه‌ها

با وجود برنامه‌های گسترده، تأمین مالی کامل پروژه‌های مذکور از سوی دولت امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل ضرورت ورود جدی‌تر بخش خصوصی احساس می‌شود. در بودجه هر ساله فقط مقدار ۲ «همت» به حوزه اکتشاف و توسعه تخصیص داده‌می‌شود که این مقدار حتی برای اکتشاف بخش دریایی هم کافی نیست. لذا حضور بخش خصوصی برای تأمین مالی نیز امری ضروری است.

در این راستا، یک مدل مشارکت سه‌جانبه میان بازوهای معدنی وزارت صمت معاونت معدنی، سازمان زمین‌شناسی و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تعریف شده‌است. یک بخش مسئول تهیه بسته‌های اکتشافی (با مساحت‌های ۵ هزار تا ۳۰ هزار کیلومتر مربع) و تعیین شرح خدمات دقیق برای اجرای کامل عملیات اکتشافی است. همچنین، صلاحیت شرکت‌های مجری برای انجام عملیات تأیید و نظارت دقیق بر حسن انجام وظایف آن‌ها به عهده این سازمان است. از طرفی وزارت صمت، شرایط ورود بخش خصوصی برای مشارکت در پروژه را نیز آسان کرده‌است. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی کافی است که دارای منابع مالی باشند در این صورت می‌توانند در طرح‌ها مشارکت کنند، بدون آنکه الزام مالکیت معدنی یا تجربه معدنی داشته باشند. از طرفی با توجه به تکمیل چارچوب‌های فنی و اجرایی این طرح، انتظار می‌رود به زودی مناقصات مربوطه بر گزار شده و همکاری‌های عملی با بخش خصوصی آغاز شود. این رویکرد نوین، ضمن کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت اجرای پروژه‌ها، باعث بهره‌گیری بهتر از توان فنی و مالی بخش خصوصی در پیشبرد اکتشافات معدنی می‌شود.

استانداردسازی آزمایشگاه‌ها

یکی از چالش‌های مهم، عدم وجود آزمایشگاه‌های آنالیز مواد معدنی با استانداردهای بین‌المللی و قابلیت اطمینان لازم است. به همین دلیل، بازوی اکتشاف معدنی وزارت صمت تلاش کرده است آزمایشگاه‌های خود را به سطح کیفیت مطلوب برساند و ضمن پشتیبانی و مشاوره به آزمایشگاه‌های بخش خصوصی، شبکه‌ای از آزمایشگاه‌های استاندارد را در کشور ایجاد کند. در این مسیر، همکاری با آزمایشگاه‌های بین‌المللی به ویژه از طریق مشارکت‌های مشترک با دانشگاه‌ها و موسسات خارجی در دستور کار قرار دارد.

علاوه بر این، برنامه‌ریزی شده است تا با همکاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مشترک، یک آزمایشگاه بزرگ و پیشرفته در داخل کشور، (ترجیحاً در مناطق آزاد) ایجاد شود که هم حجم فعالیت‌ها را افزایش دهد و هم مرجعیت و استانداردسازی داده‌های معدنی را تضمین کند. در این پروژه، سیاستگذار نقش مشاور داخلی و مجری فنی را بر عهده خواهد داشت و همکاری نزدیکی با موسسات خارجی و شرکت‌های بخش خصوصی برقرار خواهد شد.

از سوی دیگر، طبق برنامه‌های مصوب در قانون برنامه هفتم توسعه، بازوی تخصصی وزارت صمت در بخش اکتشاف مسئولیت شناسایی مواد معدنی فراسرزمینی را نیز بر عهده دارد که این بخش نیز در حال پیشرفت است و انتظار می‌رود تا پایان سال جاری، با جذب سرمایه‌های بخش خصوصی، نقشه‌ها و داده‌های مرتبط تولید شود.

در مجموع، ارتقای آزمایشگاهی و جذب مشارکت بخش خصوصی، بخشی از راهبردهای کلان کشور برای افزایش بهره‌وری، کیفیت داده‌ها و توسعه پایدار معدن است که می‌تواند نقش مهمی در ارتقای جایگاه ایران در بازارهای جهانی ایفا کند.

	معاملات جهانی طلا در شامگاه جمعه، در قیمت ۳۳۳۵ دلار بر اونس پایان یافت.قیمت طلا در روزهای آغازین هفته، به دلیل فروکش کردن شوک ناشی از بحث تعرفه بر طلای سوئیس، کاهش یافت و حتی به کف کوتاه‌مدتی نزدیک به ۳۳۴۰ دلار رسید. انتشار گزارش شاخص مصرف‌کننده مطابق انتظار، اندکی موجب رشد قیمت شد، اما اثر آن پایدار نماند. سپس گزارش PPI بالاتر از پیش‌بینی‌ها، انتظارات برای کاهش نرخ بهره فدرال‌رزرو در ماه سپتامبر را تضعیف کرد و قیمت طلا را به کف هفتگی در محدوده ۳۳۳۰ دلار بر اونس کشاند. پس از آن، بازار در محدودهای بسیار محدود نوسان کرد و گزارش‌هایی مانند خرده‌فروشی و اعتماد مصرف‌کننده تغییر محسوسی در معاملات جهانی طلا ایجاد نکردند. در گزارش کارشناسان وال‌استریت بر این بود که بازار در کوتاه‌مدت بیشتر در مسیر حرکت خنثی باقی خواهد ماند. نظرسنجی کیتکو نشان داد تنها ۱۰ درصد از تحلیلگران حرفه‌ای انتظار رشد قیمت داشتند، درحالی‌که ۸۰ درصد ادامه روند خنثی را پیش‌بینی کردند.
	در مقابل، سرمایه‌گذاران خرد یا همان معامله‌گران خیابان اصلی (Main Street) خوش‌بینی بیشتری داشتند و ۶۳ درصد آنها انتظار رشد قیمت در هفته آینده را مطرح کردند.

کشور می‌توانند یک دستگاه خودرو با عمر کمتر از ۵ سال وارد کنند و این مصوبه در جریان است. بنابراین در شرایطی که بانک مرکزی موافق با واردات است، به نظر می‌رسد سازمان گمرک ایران معطل اظهارنظر مشخصی از سوی وزارت صمت مانده است.

با وجود بسته ماندن ثبت‌سفارش برای ایرانیان مقیم خارج، نگرانی که در این بین ایجاد شده این است که مهلت اجرای مصوبه واردات خودرو بدون انتقال ارز به اتمام برسد اما پاسخ عسگری در این باره این است که از آنجایی‌که که این مصوبه موضوع بودجه ۱۴۰۴ است، معمولاً اینگونه مصوبات برای حوزه خودرو از سوی سیاستگذاران تمدید می‌شود و ضمن اینکه مصوبات دولت محدودیت زمانی ندارد.

واردات خودرو از ابتدای اسمال در گیرودار بلاکنلیفی و ابهام گرفتار آمده و این در حالی‌است که سیاستگذاران این بخش در پشت پرده واژگان تکراری مثل قرعه‌کشی و اطلاعیه ثبت‌نام جا خوش کرده‌اند.ر پاسخ شفافی به سرگردانی بخش عرضه و تقاضای بازار نمی‌دهند. هرچند اخیراً اقدامات تسهیل گرایانه‌ای مثل کاهش تعرفه به میانگین ۱۰۰ درصد در آیین‌نامه جدید با اختصاص ارز حاصل از صادرات خشکبار به واردات خودرو در دستور کار قرار گرفته اما بسته ماندن ثبت‌سفارش آن هم برای ایرانیان در آنسوی مرزها که می‌تواند به تعادل‌بخشی بازار کمک کند، به بلاکنلیفی در شرایط کنونی دامن زده است.

● دلار ۹۳٫۴۰۰ ● یورو ۱۰۸٫۸۲۰ ● پوند ۱۲۵٫۴۸۰ ● درهم ۲۵٫۵۵۰ ● لیر ۲۰٫۳۰۰ ● سکه ۸۵٫۴۵۰۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶٫۶۱۰٫۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵٫۲۰۰۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶٫۷۴۰۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴٫۸۰۰۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷٫۵۹۰۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰۱۰۰٫۰۰۰ ●

روزنامه **دراقتصاد** www.marzeghtesad.ir **شنبه ۰۵ مهر ۱۴۰۴** • شماره ۷۶۶ **www.marzeghtesad.ir**

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر



آناتومی اقتصاد برنامهریزی‌شده



بررسی می‌کرد. خود استالین نیز در یک سال عادی، معادل بیش از ۲۰۰ روز کاری هشت ساعته را صرف شرکت در جلسات رسمی می‌کرد. این حجم بی‌پایان از کاغذبازی و تصمیم‌گیری‌های جزئی که گاهی خشم شدید استالین را هم به دنبال داشت، نتیجه مستقیم همان نظامی بود که خودش طراحی کرده بود. در چنین ساختاری، نهادهای برنامه‌ریزی مانند «گوسپلان» نیز آگاهانه ضعیف نگه داشته می‌شدند تا هیچ مرکز قدرت مستقلی در برابر استالین شکل نگیرد. اما هزینه این کار، فلج شدن روند تصمیم‌گیری و افتادن بار سنگین مدیریت جزئی‌ترین امور بر دوش خود او بود.

تولید حداکثری در مرز آشوب

هدف اصلی اقتصادی استالین، افزایش هرچه بیشتر تولید مازاد بود. این مازاد، یعنی تفاوت میان کل تولید و مصرف جامعه، قرار بود برای انباشت سرمایه و پشیرد سریع صنعتی‌سازی به کار گرفته شود. نتیجه این سیاست، جهش چهار برابری سرمایه‌گذاری بین سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۷ بود. اما این فرآیند با یک محدودیت اساسی روبه‌رو بود که می‌توان آن را مرز آشوب نامید. استالین و دفتر سیاسی حزب به شدت نگران بودند که اگر سطح مصرف و معیشت کارگران بیش از حد پایین بیاید، با کاهش کارایی، اعتصاب، شورش و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی مواجه خواهند شد. به همین دلیل، توجه دائمی استالین به تأمین کالاهای مصرفی، اقدامی انسان‌دوستانه نبود، بلکه ابزاری کاملاً عمل‌گرایانه برای حفظ بهره‌وری کارگران و جلوگیری از ناآرامی بود.

حکومت همواره تلاش می‌کرد میان فشار برای تولید بیشتر و خطر عبور از خط قرمز تحمل کارگران، تعادلی شکننده برقرار کند. همین مساله توضیح می‌دهد که چرا سرمایه‌گذاری در شوروی، با وجود تمام تأکیدها، نوسانات شدیدی داشت. برای مثال، کاهش عمدی سرمایه‌گذاری در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷، در ظاهر با اهداف حکومت در تضاد بود، اما در واقع یک عقب‌نشینی حساب‌شده برای فاصله گرفتن از مرز آشوب به شمار می‌رفت. در آن سال‌ها، تورم شدید قدرت خرید کارگران را به شدت کاهش داده بود و حکومت برای جلوگیری از ناآرامی، ترجیح داد به طور موقت از حجم سرمایه‌گذاری بکاهد.

بنابراین، سیاست اقتصادی شوروی که مسیر مستقیم به سوی تولید بیشتر نبود، بلکه راهی پر از فراز و نشیب بود که در آن، استالین دائماً آستانه تحمل مردم را می‌سنجید و سیاست‌هایش را بر اساس واکنش‌های جامعه تنظیم می‌کرد. حکومت استالین برای حل این مشکل و پایین آوردن آستانه تحمل کارگران، به یک راه‌حل رادیکال روی آورد. هدف این بود که کارگران را وادار کنند با پاداش کمتر، همان اندازه کار کنند. این راه‌حل، چیزی جز جایگزین کردن گسترده زور به جای انگیزه نبود. منطق این راهبرد نیز ساده بود، تهدید کردن بسیار کم‌هزینه‌تر از پاداش دادن است. بر همین اساس، حکومت سه طرح بزرگ را در اقتصاد مبتنی بر زور به اجرا گذاشت.

این سه طرح شامل اشتراک‌سازی اجباری در کشاورزی، جرم دانستن بی‌انضباطی در محیط کار و استفاده گسترده از اردوگاه‌های کار اجباری (گولاگ)

سیامک انصاری جایگزین آنتیا پسپانی‌شد

سیامک انصاری نقش «برانلسو» را در موزیکال «لیور تونیست» به کارگردانی حسین پارسایی بازی می‌کننداین نقش پیش‌تر و در دور قبلی این نمایش توسط زنده‌یاد آنتیا پسپانی ایفاگر نقش «لیور تونیست» هستند که در شب‌های مختلف بازیگر در این پروژه بازی خواهد کرد.
پرهام غلاملو و آرشام جهان پناه دو بازیگر نوجوان مستعد سایه پارسایی (شارلوت)، ساره همزه(ماری)، پرهام موحدی (پل) و نازنین قلی پور(بت) با این پروژه همکاری دارند.

بود. با این حال، اسناد آرشیوی به وضوح نشان می‌دهند که راهبرد کنترل جامعه از طریق ترس، شکستی کامل بود. نخست، اشتراک‌سازی که با هدف تأمین غله برای شهرها اجرا شد، به فروپاشی تولید کشاورزی و قطعی مرگباری انجامید که جان‌میلیون‌ها نفر را یاد و خاطر این کار، تخلفات کوچکی مانند ۲۰ دقیقه تأخیر را جرم‌انگاری کرد و پای‌میلیون‌ها نفر را به دادگاه کشاند، اما نتوانست مشکل بهره‌وری پایین را حل کند. و سرانجام، گولاگ که قرار بود منبع نیروی کار ارزان برای پروژه‌های بزرگ باشد، به یک چاه بی‌انتهای اقتصادی تبدیل شد. بهره‌وری کارگران در این اردوگاه‌ها بسیار پایین و هزینه‌های نگهداری از آنها سرسام‌آور بود.

اسناد داخلی نشان می‌دهد حتی مدیران گولاگ نیز به ناکارآمدی اقتصادی آن پی برده بودند و به همین دلیل، بلافاصله پس از مرگ استالین، به اصلی‌ترین حامیان انحلال آن تبدیل شدند. شکست راهبرد مبتنی بر زور حاصل ناتوانی و عدم امکان مجازات دقیق متخلفان بود. نظام قضایی استالین همزمان دو خطای بزرگ داشت، از یک سو افراد بی‌گناه را مجازات می‌کرد و از سوی دیگر، متخلفان واقعی را نادیده می‌گرفت. دایره جرائم آنقدر گسترده تعریف شده بود که تقریباً هر کارگری در خطر پیگرد قانونی قرار داشت. در نتیجه، کارگران سخت‌کوش اغلب در کنار متخلفان واقعی مجازات می‌شدند، درحالی‌که بسیاری از مجرمان اصلی هرگز دستگیر نمی‌شدند.

این وضعیت خطرناک و غیرقابل پیش‌بینی، واکنشی طبیعی و قدرتمند را در جامعه به دنبال داشت و آن، شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی بود. در این شبکه‌ها، کارگران، مدیران میانی و حتی مقامات محلی برای محافظت از خود در برابر دستگاه سرکوب حکومت، به همکاری پنهانی با یکدیگر روی آوردند. برای مثال، مدیران برای جلب رضایت کارگران، غیبت آنها را گزارش نمی‌کردند و مقامات محلی به جوانانی که از کارخانه‌ها فرار کرده بودند، پناه می‌دادند.

اینجا با یک تضاد اساسی روبه‌رو می‌شویم. نظام دستوری شوروی برای ادامه کار خود، به همان روابط غیررسمی و بازارمانندی وابسته شد که اساسا برای سرکوب آنها طراحی شده بود. مدیران برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده در برنامه، چاره‌ای جز انجام معاملات غیرقانونی، پایاپای و استفاده از روابط شخصی نداشتند. این رفتار حتی از سوی مقامات بالاتر نیز تشویق می‌شد، چون از مخرب شدن انتظارات می‌رفت به هر قیمتی اهداف را محقق کنند. این اقتصاد زیرزمینی، دیگر یک پدیده جانبی نبوده و به بخش حیاتی و مرکزی نظام اقتصادی شوروی تبدیل شده بود.

برنامه نمایشی، بازار پنهانی

همان‌طور که دیدیم، نظام دستوری، فلج شده و ابزارهای مبتنی بر زور نیز ناکارآمد بود. در چنین شرایطی، تقسیم واقعی منابع در اقتصاد شوروی از طریق یک سازوکار کاملاً متفاوت انجام می‌شد. برنامه اقتصادی رسمی، در عمل یک ظاهر توخالی بود. اسناد آرشیوی نشان می‌دهد که تقریباً تمام برنامه‌ها در حد پیش‌نویس باقی می‌ماندند و هرگز نهایی نمی‌شدند.

این کار دست مقامات بالا را برای دخالت خودسرانه در هر زمانی باز می‌گذاشت. در عمل، تقسیم منابع نه بر اساس محاسبات پیچیده کالاهای، بلکه با اختصاص بودجه‌های مشخصی بر حسب رول به وزارتخانه‌ها و پروژه‌ها شروع می‌شد. این روش، به ناچار به شکل‌گیری روندی غیرمتمرکز و شبیه به بازار در سطوح میانی اقتصاد می‌انجامید. از آنجا که برنامه‌ها کلی و بر اساس پول (روبل) بودند، این خود شرکت‌ها و وزارتخانه‌ها بودند که باید با چانه‌زنی و قرارداد بستن با یکدیگر، جزئیات تولید را مشخص می‌کردند.

این فرآیند یک بازار پنهان به وجود آورد. در این بازار، به دلیل وجود پدیده‌ای به نام بودجه نرم، یعنی تضمین حکومت برای پوشش دادن تمام هزینه‌ها، همیشه تقاضا از عرضه بیشتر بود و قدرت در دست فروشنده قرار داشت. در چنین بازاری، برخلاف تصور عمومی، پول و قیمت اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کرد. اسناد نشان می‌دهند که تولیدکنندگان همیشه برای بالا بردن قیمت‌ها فشار می‌آوردند تا اهداف مالی برنامه را با تولید و زحمت کمتر برآورده کنند.

این نظام، یک اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده واقعی نبود، بلکه یک بازار ناقص و پرهزینه بود که در پوشش برنامه دولتی فعالیت می‌کرد. پدیده بودجه نرم نیز یک اشتباه فنی نبود. رهبران شوروی با این روش می‌توانستند منابع را بدون توجه به سودآوری، به سمت اهداف صنعتی و نظامی خود سرازیر کنند. نظام اقتصادی استالین در یک بن‌بست ساختاری گرفتار بود. ایرادات این نظام آنقدر آشکار بود که تلاش برای اصلاح آن از همان اوایل دهه ۱۹۳۰ شروع شد، اما هر تلاشی برای اصلاح محکوم به شکست بود. مسیر اصلاحات دو راه بیشتر نداشت و هر دو به بن‌بست می‌رسید.

راه نخست، تمرکززدایی و دادن استقلال بیشتر به شرکت‌ها بود. اما این راه به سرعت به فرصت‌طلبی و رانت‌جویی منجر می‌شد. مدیران به شکل منطقی به مقامات بالادست خود بی‌اعتماد بودند و انتظار داشتند هر لحظه با یک اعتمادی بین نتیجه مستقیم همان شالوده اصلی نظام، یعنی استفاده درست از منابع نداشتند و ترجیح می‌دادند از استقلال خود برای منافع شخصی و سازمانی سوءاستفاده کنند. نمونه این شکست، طرح اصلاحی سال ۱۹۳۲ بود که در آن واگذاری تجهیزات به خود شرکت‌ها سپرده شد و نتیجه آن هرج‌ومرج و شکستی کامل بود. راه دوم، تمرکزگرایی دوباره و بیشتر کردن کنترل مرکزی بود.

اما این راه هم مستقیماً به همان نفرین دیکتاتور ختم می‌شد. یعنی باعث ایجاد حجم عظیمی از اطلاعات، فلج شدن فرآیند تصمیم‌گیری و ناتوانی مرکز در مدیریت جزئیات اقتصاد می‌شد. این چرخه معیوب، منطق درونی و ناگزیر این نظام بود. ریشه این مشکل، بی‌اعتمادی عمیق میان مدیران و زیردستان در تمام سطوح بود. این بی‌اعتمادی نیز نتیجه مستقیم همان شالوده اصلی نظام، یعنی قدرت شخصی، خودسرانه و قانون‌گریز استالین بود. تا وقتی این شالوده اصلی پابرجا بود، هیچ اصلاح معناداری ممکن نبود. مهم‌ترین ویژگی یک اقتصاد دستوری که بر پایه دیکتاتوری فردی بنا شده، شکست برنامه‌ریزی نیست، بلکه ناکمکن بودن خود برنامه‌ریزی است.

چنین نظامی بر اساس منطق درونی‌اش، قواعد پایدار و اعتماد متقابل را از بین می‌برد. این دو، یعنی قانون و اعتماد، برای هر نوع هماهنگی اقتصادی پیچیده، چه متمرکز و چه غیرمتمرکز، ضروری هستند. این نظام به ناچار به یک ساختار رسمی فلج تبدیل می‌شود که تنها به کمک یک اقتصاد غیررسمی ضروری اما مخرب، به ظاهر سرپا می‌ماند. در نهایت، این سیستم در یک وضعیت پایدار اما ناکارآمد گرفتار می‌شود. این وضعیت بر بی‌اعتمادی، زور و اصلاح‌ناپذیری بنا شده است. در چنین تعادلی، تلاش برای به دست آوردن کنترل مطلق، به از دست رفتن کنترل واقعی منجر می‌شود.

عکس نوشت



کارتون



آیین بزرگداشت محمود فرشچیان

مرکوردشکنی بیت‌کوین

رود رمزارها به حساب‌های بانزنشستگی، استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران و همچنین سیاست‌ها و حمایت‌های دونالد ترامپ از بازار کریپتو را باید از دلایل این رشد دانست.

بیت‌کوین رمسراز محبوب جهانی، بار دیگر تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی ایالات متحده دچار نوسانات قیمتی شد و روز پنج‌شنبه به اوج تاریخی خود رسیدند.

بیت‌کوین از ابتدای سال جاری تاکنون رشدی ۳۲ درصدی را تجربه کرده و برای نخستین بار توانست کانال ۱۲۴ هزار دلاری را پشت سر بگذارد. اتریوم نیز از این روند بی‌نصیب نماند و از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون افزایش ۵۱ درصدی را ثبت کرده و به بالای ۴۷۰۰ دلار رسید.

این روند نه تنها به دلیل استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران نهادی است، بلکه سیاست‌ها و حمایت‌های دولت آمریکا نیز نقش مهمی در تقویت این موج داشته‌اند. درحالی‌که برخی کارشناسان نگران نوسانات بازار هستند، بسیاری دیگر بیت‌کوین را به عنوان یک شاخص جدید برای سنجش ریسک‌پذیری و جذایت سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی می‌بینند.

چرایب رکورد بیت‌کوین

بیت‌کوین و اتریوم بار دیگر در مسیر صعودی قرار گرفتند و بازار رمزارها را تحت تأثیر خود قرار دادند. انتظارات برای سیاست پولی آسان‌تر و تحولات مثبت در مقررات مالی باعث شده سرمایه‌گذاران اعتماد بیشتری به این دارایی‌ها پیدا کنند.

تحلیلگران می‌گویند رشد بیت‌کوین و اتریوم نه تنها ناشی از خریدهای مداوم موسسات مالی است، بلکه اقدامات دولت برای تسهیل سرمایه‌گذاری و دارایی‌های دیجیتال نیز نقش مهمی داشته است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این روند صعودی می‌تواند ادامه یابد و رشد قابل‌توجه‌تری در راه باشد.

با تغییرات مقرراتی اخیر، بازار رمزارها حالا محیطی مثبت‌تر برای سرمایه‌گذاران پیدا کرده است. ورود رمزارها به حساب‌های بانزنشستگی، فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی ایجاد کرده و نشان می‌دهد این بازار بیش از گذشته در مرکز توجه قرار دارد. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات همچنان بالا است و سرمایه‌گذاران باید با دقت و احتیاط عمل کنند. به دنبال این تحولات، ارزش کل بازار رمزارها به بیش از ۴٫۱۸ تریلیون دلار افزایش یافته است، درحالی‌که چند ماه قبل این رقم حدود ۲٫۵ تریلیون دلار بود. فرمان اجرایی جدید دولت آمریکا دسترسی به دارایی‌های دیجیتال را در حساب‌های بانزنشستگی (K) ۴۰۱ آسان‌تر کرده و می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی بزرگ فراهم کند. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات این بازار همچنان بالاست و سرمایه‌گذاران باید جانب احتیاط را رعایت کنند.

کارشناسان معتقدند ترکیبی از خریدهای گسترده شرکت‌ها و حمایت‌های دولتی عامل اصلی این افزایش قیمت بوده است. «اندرو پیس»، مدیر سرمایه‌گذاری آسیا-پاسفیک در شرکت Russell Investments. بیت‌کوین را به «سنخ‌های پیشرفته از شاخص نزدک» تشبیه کرده و تأکید می‌کند که این دارایی دیجیتال اکنون به یک معیار مهم برای سنجش ریسک‌پذیری در بازارهای مالی تبدیل شده است. یکی از محرک‌های اصلی این رشد، فعالیت شرکت‌های موسوم به «خرانداری بیت‌کوین» است. این شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت «Strategy» به رهبری مایکل سیلور، برای خرید بیت‌کوین و دیگر رمزارها از ترکیبی از بدهی و سهام استفاده می‌کنند. در حال حاضر، حدود ۱۶۵ شرکت عمومی در جهان بخشی از دارایی‌های خود را به بیت‌کوین اختصاص داده‌اند. خریدهای گسترده این شرکت‌ها یک حلقه بازخورد مثبت ایجاد کرده و باعث شده بازار بیت‌کوین از یک تجربه نوآورانه سرمایه‌گذاری، به یک منبع ساختاری فشار خرید تبدیل شود.

در کنار نقش شرکت‌ها، حمایت‌های دولتی نیز زمینه رشد قیمت بیت‌کوین را فراهم کرده است. فرمان اجرایی رئیس‌جمهور وقت، دونالد ترامپ، اجازه داد برنامه‌های بانزنشستگی آمریکا بتوانند در دارایی‌های جایگزین از جمله رمزارها سرمایه‌گذاری کنند. این تصمیم مسخیر ووو د گسترده سرمایه موسسات بزرگ به بازار کریپتو را هموار کرد و تقاضا برای بیت‌کوین و دیگر رمزارها را افزایش داد.

رشد اخیر بیت‌کوین همچنین همزمان با عرضه اولیه موفق سهام صرافی رمزاری «Bullish» در بورس نیویورک رخ داد. این صرافی که توسطمیلارد تکنولوسوی، پتر تیل، حمایت می‌شود، توانست ۱٫۱میلیارد دلار سرمایه جذب کند و قیمت سهام آن با افزایش قابل‌توجهی روبه‌رو شد.

این موفقیت نشان‌دهنده اعتماد شدید سرمایه‌گذاران به بازار رمزارها و پتانسیل بالای شرکت‌های فعال در این حوزه است. البته ناگفته نماند که انتشار داده‌های تورمی آمریکا باعث شد تحلیلگران دیدگاه‌های متعددی ارائه کنند و در پی آن، نوسانات قیمت بیت‌کوین و اتریوم افزایش یابد. این روند موجب عقبگرد هر دو دارایی از رکوردهای قبلی خود شد.

اینفوگرافیک



کشورهای اروپایی در حالی ایران را به فعال‌سازی مکانیسم ماشه تهدید می‌کنند که این سازوکار پس از حملات غیرقانونی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، مشروعیت حقوقی خود را از دست داده و تلاش برای فعال کردن آن صرفاً اقدامی تنبیهی و مغایر با هدف توافق هسته‌ای به‌شمار می‌رود.